

نظری به توقیعات انگلیسی حضرت شوقی ربّانی و ترجمه‌های فارسی آنها

سیروس علائی

بخش اول: شرح توقیعات انگلیسی مبارک و ترجمه‌های فارسی آن

معارف بهائی بر اساس آثار حضرت بهاء‌الله و توضیحات و تبییناتی که از حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله باقی مانده، استوار است. منظور این مقاله بحث در این آثار و یا تقسیم‌بندی و فهرست کردن آنها نیست، بلکه در درجهٔ اول اشاره به این حقیقت است که برای معرفت امر الهی چاره‌ای جز مراجعه به تمامی این آثار نیست، و نمی‌توان بخشی از آن را نادیده گرفت. معارف امر بهائی چون قانون اساسی و یا مدنی یک کشور نیست که در یک سند یا یک مجلد جای گیرد، و آن سند یا مجلد جامع و مانع تلقی شود، بلکه احاطه و اطلاع کامل به تمامی آثار مذکور است که جریان تکاملی و دقایق اصول و تعالیم امر بهائی را به درستی روشن می‌کند و معرفت نسبی این آئین را میسر می‌سازد.

آثار حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء به دو زبان فارسی و عربی است، ولی بخش قابل ملاحظه‌ای از آثار حضرت ولیّ امرالله به زبان انگلیسی است. بنا بر این ارائهٔ امر بهائی به زبان فارسی کامل نخواهد بود، مگر آنکه ترجمهٔ این آثار انگلیسی را نیز شامل باشد. انگلیسی برای فارسی‌زبانان با عربی

قابل مقایسه نیست، چه در مورد زبان عربی دست کم از نفوسی که با ادبیات فارسی آشنا هستند، می توان تا حدی توقع داشت که آن آثار را به درستی بخوانند و بفهمند، ولی در مورد زبان انگلیسی چنین توقعی بی جاست. به بیان دیگر، فارسی زبانانی که انگلیسی نمی دانند و یا خوب نمی دانند، برای تکمیل اطلاعات خود از امر بهائی راهی جز آن ندارند که به ترجمه فارسی این آثار مراجعه کنند. غریبان همواره دچار این مشکل بوده اند که اطلاعاتشان از امر الهی به توفیعات انگلیسی حضرت ولی امرالله و ترجمه های بعضی از آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالهیه محدود بوده است. با آنکه این ترجمه ها روز افزون است، آثار این محدودیت گاه در بعضی نوشته های نویسندگان غربی از بهائی و غیر بهائی به چشم می خورد.

در این مقاله ابتدا به شرح مختصر آثار حضرت ولی امرالله به انگلیسی می پردازیم و نمونه های کوتاهی از مطالب آن به دست می دهیم و بویژه روشن می کنیم که کدام یک به فارسی ترجمه شده و کدام یک هنوز ترجمه نشده است. سپس ترجمه های مزبور را مورد بررسی قرار می دهیم.

آثار حضرت ولی امرالله گاه به صورت نامه های عمومی به جامعه بهائی در غرب و یا شرق، و گاه به صورت دستورالعمل هایی به محافل روحانی ملی و دیگر مؤسسات امری است. این توفیعات گاه مفصل و گاه مختصر است. گاه عمومی و گاه خاص کشور یا منطقه ای معین است. نامه ها و تلگرافات خصوصی زیادی به افراد نیز در دست است که بیشتر جنبه شخصی دارد، ولی گاه حاوی مطلبی عمومی است. تعداد نامه ها و تلگرافات مبارک را از مختصر و مفصل بیش از بیست و شش هزار (۲۶۰۰۰) تخمین زده اند که از جلوس هیکل مبارک در ژانویه ۱۹۲۲ تا صعود ایشان در نوامبر ۱۹۵۷، طی دورانی حدود سی و شش سال، صادر شده است. تنها یک اثر به صورت کتاب در دست است که در سال ۱۹۴۴ با مقدمه ای جداگانه تحت عنوان *God Passes By* (با نام کتاب قرن بدیع در ترجمه فارسی) انتشار یافته است. دیگر نامه های عمومی ایشان عنوان خاصی ندارد، ولی بعداً به بعضی از آنها با تصویب هیکل مبارک عنوان هایی داده اند، و یا بعضی از آنها را مفرداً و یا چند نامه با هم، به صورت کتابی با عنوانی خاص منتشر ساخته اند. بسیاری از نامه ها و تلگرافات خصوصی مبارک و بعضی توفیعات ملی و منطقه ای، شاید به ملاحظه آنکه مطلب عمومی در بر نداشته، هرگز منتشر نشده است.

این آثار به غیر از ترجمه های مبارک از فارسی و عربی به انگلیسی است که تحت عنوان های معین به صورت کتاب انتشار یافته است که مورد بحث ماینست، هر چند که به دو کتاب از این دسته نیز در این مقاله اشاره خواهد شد، یکی به ترجمه تاریخ نیل به انگلیسی که عنوان آن در ترجمه فارسی مطالع الانوار (*Dawn-Breakers*) است، و دیگر مجموعه ای از آثار حضرت بهاءالله که تحت عنوان منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله (*Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*) نشر شده است.

آثار عمومی و مهم مبارک که منتشر شده است به شرح زیر است:

۱- مجموعه ای که تحت عنوان "تشکیلات بهائی، منتخباتی از توفیعات حضرت شوقی ربانی"

(Bahá'í Administration, Selected Messages) از طرف مؤسسه نشر آثار امری در ویلمت امریکا، اول بار در سال ۱۹۲۸ و سپس به صورتی کامل تر در سال ۱۹۳۲ منتشر و چند بار تجدید چاپ شده است.^۱ آخرین نشری که بنده دیده‌ام چاپ ۱۹۹۵ است و شامل تعدادی از توقیعات مبارک خطاب به محفل روحانی ملی امریکا است که در فاصله زمانی ۱۲ ژانویه ۱۹۲۲ (جلوس مبارک) تا ۱۷ جولای ۱۹۳۲ صادر گردیده و بر حسب تاریخ مرتب شده است. این کتاب شامل مقدمه‌ای به قلم جناب هوراس هولی منشی وقت محفل ملی امریکا و ترجمه بخش مهمی از الواح وصایا نیز می‌باشد. هوراس هولی در مقدمه خود از جمله می‌نویسد:

«تشکیلات بهائی از آثار حضرت بهاء الله حاصل می‌شود. سهم حضرت عبدالبهاء تبیین و توضیح اصولی است که حضرت بهاء الله تأسیس فرموده‌اند. حضرت ولی امر الله این اصول را در جامعه‌های بهائی در تمام جهان به مرحله اجرا در آورده‌اند. این واقعیت را می‌توان از توقیعاتی که در این کتاب آمده است و از شرایطی که صدور توقیعات متعدد و متوالی را موجب شده است، دریافت... ترتیب کتاب به تصویب حضرت ولی امر الله رسیده است.»

هر چند بخش عمده این مکاتیب مربوط به نظم اداری بهائی و تشکیلات و مؤسسات این نظم است، ولی کتاب مطالبی نیز در مورد اوضاع جهان و مسئولیت بهائیان در قبال آن، اذیت و آزار بهائیان ایران، بیت مبارک در بغداد، معلمین امریکایی در ایران، روش دوگانه تبلیغ و بسیاری مسائل دیگر در بر دارد. با آنکه بعضی از این توقیعات از طریق ترجمه کتاب "نظامات بهائی" (Bahá'í Procedures) و یا ضمن بعضی مقاله‌های امری به فارسی برگردانده شده است، ولی ترجمه مستقیم و کاملی از این مجموعه مهم در دست نیست.

۲ - مجموعه مفصل و مهمی که به نام نظم جهانی بهائی (The World Order of Bahá'u'lláh) در دست است و شامل هفت توقیع عمومی و مفصل حضرت شوقی ربّانی است که در فاصله زمانی ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۶ صادر شده است. این هفت توقیع را اول بار محفل روحانی ملی امریکا در سال ۱۹۳۸ با مقدمه‌ای به قلم جناب هوراس هولی منشی وقت محفل در یک مجلد منتشر ساخت و سپس چندین بار تجدید چاپ شد.^۲ هیچیک از این هفت توقیع در موقع صدور عنوان خاصی نداشت و فصل بندی نشده بود، ولی در موقع نشر برای هر توقیع عنوانی پیشنهاد شد که مورد قبول حضرت ولی امر الله قرار گرفت. ضمناً هر توقیع تا حدی فصل بندی و به هر فصلی عنوانی موافق محتوای آن داده شد تا مراجعه به مطالب کتاب آسان باشد.

جزوه "تشکیلات بهائی" که قبلاً به آن اشاره شد، در درجه اول شامل دستورات عملی در مورد محافل روحانی محلی و ملی و انجمن‌های شور روحانی ملی و ارتباطات داخلی نظم اداری بهائی است، در حالیکه این هفت توقیع دیدگاه امر بهائی را در ارتباط با تکامل اجتماعی بشر حاوی است. بنابراین اگر

جزوه قبلی بیشتر راهنمای اهل بهاء در تکوین نظم اداری بهائی و تأسیس مؤسسات مربوط به آن در کوتاه مدت است، این مجموعه راهنمایی برای عموم اهل عالم برای تأسیس مدنیته جهانی در دراز مدت است.

تا قبل از صدور این توقیعات بُعد اجتماعی و اقتصادی امر بهائی در غرب به درستی مفهوم نشده بود، چه در عالم مسیحیت هر چند اثر اخلاقی و روحانی دین در افراد روشن است، ولی تأثیر آن در مدنیته اجتماعی مورد گفتگو و گاه تردید است. این واقعیت که هدف غائی حضرت بهاء الله استقرار صلح اعظم و وحدت عالم انسانی و تأسیس مدنیته الهی در جهانست، و از حد تزکیه روح و هدایت روحانی و اخلاقی بر نفوس به صورت انفرادی، بسی فراتر می‌رود، برای بسیاری از بهائیان غربی در آن زمان به درستی روشن نبود. شاید به همین علت عنوان "نظم جهانی حضرت بهاء الله" برای هفت توقیع بالا انتخاب شد، تا نه تنها جالب نظر اهل بهاء بلکه عموم مردم دنیا و معرّف رسالت کامل امر بهائی باشد.

از دو توقیع ششم و هفتم این مجموعه قبلاً در ایران ترجمه‌هایی تهیه و منتشر شده بود، ولی ترجمه فارسی دیگر توقیعات این کتاب در دست نبود تا سال ۱۹۸۹- یعنی بعد از ۵۱ سال از اولین نشر انگلیسی- جناب هوشمند فتح اعظم که نثر فارسی را بسیار شیوا و رسا می‌نویسند قدم به پیش نهاد و ترجمه‌ای آزاد به صورت اقتباس از پنج توقیع اول، دوم، سوم، چهارم و هفتم تهیه نمود که از طرف "مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی در کانادا" در نوامبر ۱۹۸۹ تحت عنوان نظم جهانی بهائی انتشار یافت.^۳ مترجم در مقدمه خود یاد آور شده است که:

«معرفت امر بهائی و درک حقایق مکنونه در آئین حضرت بهاء الله بدون استعانت از آثار مبین منصوص حضرت شوفی افندی، ولی امرالله، چنانکه باید کامل نگردد، و دقایقش غالباً پوشیده ماند... پس از تأمل بسیار بر آن شدم که گرد ترجمه آن شاهکارها نگردم و فقط سعی کنم مفاد توقیعات مبارکه را به اندازه وسیع خود به زبانی که درخور فهم عموم باشد، به فارسی در آورم.»

مترجم عنوان‌هایی را که ناشر اصلی برای توقیعات پنجگانه قائل شده، حفظ کرده است، ولی از عنوان‌های ثانوی- سرفصل‌ها- صرف نظر نموده و فقط در حاشیه، بدون آنکه الزامی در متابعت عنوان‌های انگلیسی در میان باشد، عباراتی ثبت کرده است تا یافتن مطالب هر توقیع برای خواننده آسان‌تر باشد. در مواردی که به تشخیص مترجم، مطلب به زمان و مکان معینی مربوط بوده و جنبه عمومی نداشته، از ترجمه آن صرف نظر شده، و این موارد با علامت چند نقطه مشخص گردیده است. در این کتاب سی و پنج فقره اصل الواح عربی حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء نقل شده، و مضمون فارسی آن الواح در آخر کتاب آمده است. تنها در چند مورد که اصل لوح به دست نیامده، از انگلیسی ترجمه شده است.

* * *

این توقیعات عبارتند از:

اول - توقیع ۲۷ فوریه ۱۹۲۹ خطاب به محفل ملی امریکا و کانادا که بعداً به آن عنوان نظم جهانی بهائی (*The World Order of Bahá'u'lláh*) داده شده است. این توقیع در اصل انگلیسی ۱۰ صفحه است. حضرت ولیّ امرالله در این توقیع می‌فرماید: «از قرار معلوم شخصی بی‌خبر از حقایق امر الهی، دربارهٔ اصالت مؤسسات و تشکیلات بهائی که از هیکل امرالله جدا شدنی نیست، شک و تردید کرده...» سپس می‌فرماید: «... این فرصت خدادادی است که توضیحاتی برای تحکیم مبانی ایمان و بسط نظر و ازدیاد فهم و درک اصول این آئین الهی بیان کنم.» بعد در اهمّیت الواح وصایا می‌فرماید: «الواح وصایا توأم با کتاب اقدس به منزلهٔ گنجینهٔ گرانبھائی است که عناصر بی‌ظنیر مدنیّت الهی را که تأسیس مقصد اصلی دیانت بهائی است، در بر دارد.» در توضیح سرچشمهٔ نظم جهانی بهائی در این توقیع تأکید شده است که: «نظم اداری بهائی بدعتی نیست که بعد از صعود حضرت عبدالبهاء بر عالم بهائی تحمیل شده باشد... پس اگر کسی اصول اداری بهائی را از اصول روحانی و انسانی جدا سازد، ضربتی قاطع بر هیکل امر الهی وارد ساخته...» در این توقیع در مورد نظم جهانی بهائی و از جمله بیت العدل اعظم و مؤسسه ولایت امرالله و محافل روحانی و ارتباط این مؤسسات با یکدیگر و وظائف آتی آنان، مطالب مفصّلی بیان شده است. از جمله آنکه حکم بیت العدل محلی و بیت العدل عمومی در کتاب اقدس و الواح جمال مبارک آمده است، و حضرت عبدالبهاء با به وجود آوردن بیت عدل خصوصی (محفل ملی) این دو حلقه را به یکدیگر پیوسته‌اند.

دوم - توقیع ۲۱ مارچ ۱۹۳۰ (نوروز) خطاب به عموم بهائیان غربی که بعداً به آن عنوان "ملاحظات بیشتر دربارهٔ نظم جهان آرای الهی" (*The World Order of Bahá'u'lláh, Further Considerations*) داده شده است.

این توقیع در اصل انگلیسی ۱۲ صفحه است. این اثر نیز در درجهٔ اول جوابگوی: «شبهات و توهمات معدودی است دربارهٔ اصالت مؤسسات امرالله که از آئین حضرت بهاءالله جدا شدنی نیست. این توهمات را، نجواکنان، نفوسی که یا از اصول ظهور حضرت بهاءالله بی‌خبرند، و یا مقصدشان کشت تخم نفاق در قلوب مؤمنان است، به گوش دیگران می‌رسانند.»

در این توقیع حضرت ولیّ امرالله به بیان خواص و صفات ممیّزهٔ نظم جهانی حضرت بهاءالله پرداخته و آرزو کرده‌اند که: «اهل بهاء از عظمت و صف ناشدنی آئین مقدّس خویش آگاه گردند، و از مسئولیت عظیمی که در قبال رسالت خویش دارند، باخبر باشند، و بر وسعت بی‌کران خدماتی که در پیش دارند واقف شوند.» سپس، از هجوم ملل و اقوامی که با امر مقدّس الهی مقابله خواهند کرد، خبر داده‌اند، و این بیان حضرت عبدالبهاء را نقل فرموده‌اند که: «امر عظیم است عظیم، و مقاومت و مهاجمهٔ جمیع ملل و امم شدید است شدید.» تفاوت بین امر بهائی و دیگر سازمان‌های دینی را مشخص فرموده‌اند:

«اصول تشکیلاتی آئین حضرت بهاءالله خداداد است، در حالی که بنیانی که آباء کلیسا بعد از وفات حواریّ اوّل بنا نمودند، ابدأً مبتنی بر دستور صریح حضرت مسیح نبود. از این جهت نسل‌های بعد زبان به اعتراض گشودند که آباء کلیسا اختیارات و امتیازاتی را برای خود تعیین نموده‌اند که هیچیک از نصّ صریح انجیل بر نیامده، بالعکس مخالف جوهر و روح آن کتاب بوده است، و در اسلام نیز هیچ نوشته، سند مکتوب یا دستور قاطعی که در مورد جانشینی راهنمای پیروان و مروّجان امر حضرت محمّد باشد، در دست نیست. همچنین باید دانست که نظام امر بهائی به نحوی ساخته و پرداخته شده که قادر است به موجب تدابیری که حضرت بهاءالله بنفسه تعبیه فرموده‌اند، هرچه را که سبب ترقّی و تقدّم است و امر بهائی را در صف اوّل نهضت‌های مترقّی نگاه می‌دارد، در خود جذب نماید و آنها را جزئی از هیکل امرالله سازد.»

سوّم - توفیق ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ که بعداً عنوان "هدف نظم جهانی بهائی" (*The Goal of a New World Order*) گرفت و خطاب به عموم اهل بهاست. این توفیق در اصل انگلیسی ۲۰ صفحه است. در این توفیق حضرت ولیّ امرالله می‌فرماید:

«سیر جبری و سرسخت حوادث اخیر، عالم بشریت را به سوی هدفی می‌راند که حضرت بهاءالله از قبل تعیین و پیش‌بینی فرموده‌اند. حضرت عبدالبهاء می‌فرمود که از زبان خاصّ و عامّ کلام صلح و سلام جاری است، ولی در قلوبشان آتش ضغینه و بغضاء مشتعل. چه بسیار می‌شنیدیم که با صدائی رسا می‌فرمود که این سندی [معاهده صلح و رسای] که بی‌چون و چرا آن را منشور آزادی بشریت توصیف می‌کنند، در درون خود تخم نفاقی دارد که دوباره عالم را به زنجیر اسارت خواهد کشید... بالکان آرام نگیرد، از اوّل بدتر شود، دول مقهوره آرام نگیرند، به هر وسیله‌ای تشبّث نمایند که آتش جنگ دوباره شعله زند، حرکت‌های تازه عمومی تمام قوت را در تنفیذ مقاصد خویش مجری خواهند نمود. حرکت شمالیه خیلی اهمّیت خواهد یافت و سرایت خواهد کرد.»

سپس به اوضاع آشفته عالم و بویژه ممالک مترقّی اروپا و امریکا و حتّی استرالیا اشاره می‌فرماید و می‌پرسند: «آیا ممکن نیست که ورشکستگی تمدّن مادی و خودستای کنونی سبب شود علف‌های هرزه‌ای که مانع شکفتن امر الهی است، وجین گردد؟» علت اصلی مشکلات زمان را ناشی از زمامداری می‌دانند که:

«سرنوشت افراد و ملل را در قبضه خود دارند و نتوانسته‌اند سیستم‌های اقتصادی و دستگاه‌های سیاسی خویش را با حوائج و نیازمندی‌های این عصر سریع الانتقال هماهنگ و مطابق سازند... رهبران مؤسّسات بشری به کلی از روح این عصر غافلند و تمام سعی و کوشش ایشان در آن است که اداره امور ملل را با موازینی اجرا نمایند که متعلّق به زمان‌های پیشین بوده است...»

بعد به شرح هفت شمع وحدت که در یکی از الواح حضرت عبدالبهاء مذکور است، می پردازند و نظر امر بهائی را در مورد حکومت جهانی که متکی بر اصل وحدت در کثرت است، توصیف و تشریح می فرمایند. هدف غائی: «وحدت عالم انسانی است که اساس سلطنت روحانی عمومی حضرت بهاء الله است.»

چهارم - توفیق ۲۱ مارچ ۱۹۳۲ خطاب به بهائیان امریکا و کانادا که بعداً "عصر ذهبی امر بهائی" نامیده شده است (*The Golden Age of the Cause of Bahá'u'lláh*). این توفیق در اصل انگلیسی ۱۸ صفحه است.

در این توفیق با اشاره به شکوفایی امر الهی در امریکا می فرمایند: «حال آن یاران در این دوره پرزحمت در تاریخ خود مترصد تحقق اهداف نقشه‌ای هستند که بالمآل به عصر ذهبی منجر خواهد شد.» و در جای دیگر می فرمایند:

«قوای مکنونه در جامعه بهائی رانمی توان با مقدار منابع مادّیش و یا با تعداد کنونی پیروانش سنجید... بلکه فقط و فقط طهارت و صفای تعالیمش و علو موازینش و اصالت احکامش و اعتدال دعاویش و جامعیت نطقش و انعطاف پذیری تشکیلاتش و حیات بانیاش و جلادت شهیدانش و قوه نافذة خلاقه‌اش یگانه محکی است که با آن هر محقق منصفی می تواند رموز و فضیلت این امر اعظم را کشف نماید.»

آنگاه به تدنی عالم و جهات امتیاز امر الهی از ادیان پیشین و اصل کلی حقایق ادیان و لزوم ظهور جدید و مقام حضرت باب به تفصیل اشاره می فرمایند و سیاست الهی را توضیح می دهند و تأکید می کنند که:

«باید به جمیع اعلان نمایند که بهائیان در هر مملکتی که ساکن باشند، هر قدر که تشکیلاتشان تقدّم یافته باشد و هر چند که به جان مشتاق اجرای احکام و ترویج اصول و مبادی دیانت حضرت بهاء الله باشند، باز بی درنگ شرط اجرای احکام و ترویج اصول مذکور را در این می دانند که موافق قوانین دول متبوعشان باشد. یعنی جد و جهدشان در اكمال امور تشکیلاتی دیانتشان موقوف به این نیست که بخواهند به نحوی از انحاء قانون مملکت خویش را نقض نمایند، تا چه رسد به این که بخواهند تشکیلات خود را بالاتر از تشکیلات حکومت متبوعشان قلمداد کنند.»

پنجم - توفیق ۲۱ آپریل ۱۹۳۳ خطاب به بهائیان امریکا و کانادا که بعداً عنوان "امریکا و صلح اعظم" (*America and the Most Great Peace*) را یافته است. این توفیق در اصل انگلیسی ۲۴ صفحه است. ترجمه نظم جهانی بهائی این توفیق را در بر ندارد، و ترجمه دیگری به فارسی از این توفیق بدست نیامد. حضرت ولی امر الله در این توفیق به مناسبت چهلمین سال استقرار امر الهی در کشور امریکا، به اقدامات جامعه بهائی آن مملکت اشاره می فرمایند که با عده قلیل و تجربه مختصر، صرفاً به اتکای عقل

و اراده و وفاداری مطلق به اصول و نظامات بهائی، موثق شده است امتحانات مشکلی را پشت سرگذارد و پیشاپیش دیگر جامعه‌های بهائی در شرق و غرب، حرکت کند، و وصول عصر ذهبی بهائی را تسریع نماید.

سپس به بیانات حضرت عبدالبهاء در اهمیت کشور امریکا و سفرهای آن حضرت به ممالک متحده و کانادا و فرامین تبلیغی مبارک اشاره می‌فرماید که از جمله اظهار امیدواری نموده‌اند که ملت امریکا اولین ملتی باشد که پایه‌های توافق بین‌المللی را تأسیس کند و وحدت عالم انسانی و صلح عمومی را میسر سازد. آنگاه تاریخ پیشرفت امر را در قاره امریکا در آن چهل سال به اختصار بیان و اقدامات مهم آتی جامعه‌های بهائی را در امریکا مذکور و اثرات جهانی آن را تأکید می‌دارند. مطالب بسیار دیگری نیز در این توفیق آمده است که بیشتر مختص جامعه بهائی امریکا و کانادا است، و شاید به همین دلیل تاکنون کسی در صدد ترجمه کامل این توفیق به فارسی بر نیامده است.

ششم - توفیق مورخ ۸ فوریه ۱۹۳۸ به عموم بهائیان غربی. این توفیق از مهم‌ترین و مفصل‌ترین آثار حضرت ولی امرالله است که به فارسی دور بهائی و به انگلیسی *The Dispensation of Bahá'u'lláh* (رسالت حضرت بهاءالله) نامیده شده است. این توفیق در مجموعه انگلیسی ۶۱ صفحه است. چاپ‌های جداگانه‌ای نیز از این اثر در دست است. از جمله محفل ملی انگلستان در سال ۱۹۴۷ آن را به قطع کوچک منتشر و در سال ۱۹۸۱ تجدید چاپ کرده است.^۴

ترجمه این توفیق در مجموعه نظم جهانی بهائی اقتباس جناب فتح اعظم نیامده است، شاید به این علت که قبلاً جداگانه تحت عنوان دور بهائی بوسیله لجنه ملی نشر آثار امری ایران ترجمه شده و نخست در سال ۱۹۵۵ در طهران و سپس در سال ۱۹۵۸ در هند^۵ و بالاخره در سال ۱۹۸۸ در آلمان به چاپ رسیده است.^۶ نام مترجم یا مترجمین معلوم نیست، ولی نواقص قابل ملاحظه‌ای در این ترجمه به چشم می‌خورد که بعداً به یکی از آنها اشاره خواهد شد.

از آنجا که عموم احبای ایران با این اثر مهم آشنایی دارند، نیازی به شرح محتوای توفیق نیست. تنها برای هماهنگی محتوای این مقاله، همین قدر ذکر می‌شود که این توفیق دارای چهار فصل اصلی است. فصل اول به حضرت بهاءالله، فصل دوم به حضرت باب و فصل سوم به حضرت عبدالبهاء اختصاص دارد. در این سه فصل مقام و رسالت سه هیکل قدسی امر بهائی به دقت و صراحت بر اساس نصوص مبارک بیان و مشخص شده و بویژه مسئله الوهیت و مظهریت به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. فصل چهارم به "نظم اداری" مربوط است و حاوی شرح جامعی در مورد دو مؤسسه ولایت امرالله و بیت العدل اعظم، دو ستون اصلی نظم بدیع جهان آرای الهی است. بطور کلی می‌توان گفت که اصول دینی (تئولوژیکی) امر بهائی یکجا در این اثر عظیم آمده است، و بنا بر این باید آن را نه تنها از مهم‌ترین آثار حضرت ولی امرالله، بلکه از مهم‌ترین آثار امر بهائی شمرد.

هفتم - توفیق ۱۱ مارچ ۱۹۳۶ به عموم بهائیان غرب، که به آن عنوان تولد مدیته جهانی (*The*

Unfoldment of World Civilization (ظهور مدنیت جهانی) داده شده است و در اصل انگلیسی ۴۶ صفحه دارد. ترجمه این توفیق در اقتباس جناب فتح اعظم و جداگانه نیز تحت عنوان جلوه مدنیت جهانی بوسیله آقای جمشید فنائیان به فارسی برگردان شده و در هندوستان در سال ۱۹۸۶ انتشار یافته است.^۷ این توفیق نسبتاً مفصل سراسر در مورد نظم جهانی حضرت بهاءالله و رشد تدریجی و سیر تکاملی این نظم است. می فرمایند:

«... این نظم بدیع جهانی... مقصدی جز ایجاد اتحاد کامل نوع انسان ندارد... هر سازمانی که بخواهد با موازینی کمتر از آنچه در آئین بهائی نازل شده، به کار پردازد، یا با نمونه‌هایی به پیش رود که بر آثار حضرت بهاءالله انطباق نداشته باشد، به جایی نمی‌رسد، و فقط حد اکثر می‌تواند به "صلح اصغر" دست یابد... اما صلح اعظم به نحوی که حضرت بهاءالله مقرر فرموده، صلحی است که عملاً باید متعاقب زمانی تحقق یابد که جنبه‌های روحانی و معنوی بر جهان غلبه یافته باشد...»

آنگاه به "بلوغ عالم انسانی" و پیدایش "یک جامعه جهانی" اشاره نموده، می فرمایند:

«... آغاز دوران بلوغ ملت آمریکا وقتی بود که مردمش عواطف ملی جدیدی یافتند و نوعی تمدن تازه بوجود آوردند که بی‌نهایت غنی‌تر و والاتر از آن بود که هر یک از ایالات متحده به تنهایی می‌توانستند به تحققش امیدوار باشند... می‌توان گفت که ملت آمریکا هنوز به اوج سرنوشت خویش نرسیده است، سرنوشتی که به موجب آن باید عناصر سازنده واحد بزرگتری باشد که جمیع نوع انسان را در برگیرد...»

سپس با اشاره به سیر تکاملی ادیان الهی می فرمایند: «اهل بهاء معتقدند که ظهور حضرت بهاءالله به منزله غایت کمال و اعلی مرتبه این تکامل عظیم در حیات اجتماعی بشری است...» بعد به عصر تحوّل و دوره تغییر و تبدیل عمومی در جمیع شؤون حیات انسانی و سقوط سازمان‌های عتیقه از اسلامی و مسیحی و علائم انحطاط معنوی در عالم و شکست بنیان سیاست و اقتصاد اشاره نموده، می فرمایند: «اصل امنیت جمعی که مقصد مرکزی کوشش‌های جامعه ملل است، از این نظر قابل توجه است که از مرحله قول فراتر رفته و در مواردی به مرحله اقدام رسیده است.» آنگاه نقش عظیم نظم جهانی حضرت بهاءالله را متذکر شده، توضیح می‌دهند که:

«این عامل شفافبخش یزدانی، این نیروی نافذ الهی که در غایت نشاط و تأثیر است، به تدریج شکل می‌پذیرد و در کالبد مؤسساتش متبلور می‌شود و نیروهایش را بسیج می‌کند و برای غلبه روحانی جهان و نجات عالم انسان آماده می‌شود، و هر چند جامعه‌ای که آمالش را تجسم داده اینک بسی کوچک است و فواید مستقیم و محسوسش قلیل، اما قوای مکنونه‌اش که برای احیای بشر و تعمیر

جهان شکسته خلق شده، آنچنان عظیم است که در حساب نیامده.»

بعد به شرح توفیقات آئین بهائی در سراسر عالم از ایسلند تا تاسمانیا، از ونکوور تا دریای چین پرداخته، می‌فرمایند: «این نظام جهان مدار و این برادری و اخوت عالم آرا پرتوش را گسترده و در قلوب هر مرد و زنی که در ظلش آمده‌اند، نور ایمان و نور امیدی و نیروی جدیدی دمیده که نسل غافل امروز، افسوس، از ادراکش محروم است.» هدف وحدت عالم انسانی، و طرح امر بهائی برای حصول این هدف به تفصیل در آخر این توفیق مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۳- دیگر از آثار مهم حضرت ولی امرالله توفیقی است مفصل که در ۲۸ مارچ ۱۹۴۱ خطاب به عموم بهائیان عالم صادر شده است و عنوانش "روز موعود فرارسیده است" (*The Promised Day Is Come*) می‌باشد. این توفیق در همان سال صدور بوسیله محفل ملی امریکا منتشر و بعد مکرر تجدید چاپ شده است. چایی که در اختیار بنده است، نسخه تجدیدنظر شده سال ۱۹۸۰ است که شامل مقدمه و فهرست اعلام نیز می‌باشد و ۱۳۷ صفحه دارد.^۸

ترجمه‌ای از این توفیق دیده‌ام که نشان می‌دهد به سرعت و بدون مقدمه و فهرست، شاید برای استفاده موقت، با ماشین استنسیل در طهران تکثیر شده است. عنوان آن قد ظهر یوم المیعاد است و ۷۸ صفحه دارد.^۹ شاید نشر زیباتر، تمیزتر و کامل‌تری از این ترجمه موجود باشد که بنده از آن بی‌خبرم. نام مترجم معلوم نیست، آنچه معلوم است این است که مترجم با زبان عربی آشنایی داشته و بر این تصور بوده است که عموم فارسی‌زبانان می‌توانند و یا باید اصل عربی الواح مفصلی را که حضرت ولی امرالله در این توفیق آورده‌اند، بفهمند. بر اساس این تصور، بر خلاف روش جناب فتح اعظم که مضمون فارسی الواح عربی را در آخر کتاب نظم جهانی بهائی آورده، مترجم این توفیق به ذکر اصل عربی الواح اکتفا کرده است.

این توفیق مهیمن در بحبوحه جنگ دوم جهانی صادر و با این جمله آغاز شده است: «اکنون طوفانی که در شدت بی‌سابقه و در جریان فوق تصور و در اثرات فعلی دهشت‌آور و از حیث نتایج پرمجد و عظمت می‌باشد، بر سطح کره خاک به وزیدن آمده...»

حضرت ولی امرالله در این اثر به نقل اندازات جمال مبارک می‌پردازند: «بگو ای اهل عالم به راستی بدانید که بلای ناگهانی شما را در پی است و عقاب عظیمی از عقب...» «...ای قوم در انتظار عدل الهی قیام کنید، زیرا اکنون روز موعود فرا رسیده است.» (ترجمه از انگلیسی)

حضرت ولی امرالله مستقبل درخشان عالم را نیز هم‌زمان در این توفیق بشارت می‌دهند: «حال ارض حامله مشهود، زود است که اثمار منیعه و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعمای جنبیه مشاهده شود...» سپس تحت سرفصل «چگونه ندای حضرتش را اجابت کردند» مناظر برجسته‌ای از تاریخ متلاطم امر الهی را تصویر و دنیای معرض از حق را توصیف می‌فرمایند. تحت سرفصل «مخاطبین پیام الهی» متذکر

می شوند که:

«نباید فراموش کرد که سلاطین ارض و رؤسای ادیان مقدّم بر جمیع طبقات دیگر بطور مستقیم مخاطب بیانات حضرت باب و حضرت بهاءالله واقع شده‌اند... و شگفتی ندارد اگر کسی که سلطان سلاطین و قائم مقام نفس خداوند است، وقتی متروک و موهون و مظلوم واقع شود این پیشگویی تحقیرآمیز را بفرمایند که از دو طایفه عزّت برداشته شد، امرا و علما.»

شرح الواح ملوک و بخت برگشتگی و ذلّت سلاطین بخش مهمی از این توقیع را تشکیل می‌دهد که در ترجمه فارسی قسمت عمده آن به زبان اصلی یعنی عربی آمده است. تحت عنوان «شناختن مقام سلطنت» می‌فرمایند:

«نباید منظور حضرت بهاءالله سوء تعبیر شده، ندانسته تفسیر گردد. زیرا هرچند که عتاب آن حضرت نسبت به سلاطینی که به او زجر و آزار رساندند، شدید بوده... ولی در عین حال تعالیم آن حضرت به هیچ وجه شامل اصولی نیست که مدّل بر طرد و یا حتّی بطور ایما و اشاره مشعر بر اهانّت نسبت به مقام سلطنت باشد.»

«ویرانی مبادی دینی» چه در دنیای اسلامی و چه در عالم مسیحی و عواقب آن، بخش مفصل دیگری از این توقیع منبع است. در خاتمه نتیجه گیری می‌فرمایند که:

«بلاى جهانگیری که نوع بشر را فرا گرفته در مرحله اول نزول قضای الهی برای مردم غافل روی زمین است... و مسئولیت مستقیم و هولناک و حتمی به عهده آن سلاطین ارض و رؤسای دینی جهان است که در زمان حضرت باب و حضرت بهاءالله زمام امور سیاسی و مذهبی را در حیطة خود داشتند، و به ستایش خدایان سه گانه دروغین یعنی ملّیت و جنسیت و مرام اشتراکی پرداختند، پایه حکومت ملی را به مقام الوهیت رساندند، نژادهای دیگر دنیا را تابع نژاد واحد قرار دادند و به ضعف ارکان دیانت دامن زدند.»

اما خداوند جز این منظوری ندارد که: «این جنگ‌های بی ثمر و نزاع‌های مهلکه منقضی شود و صلح اعظم تحقق یابد... نزاع و جدال و سفک دماء منتهی شود و جمیع بشر یک خانواده گردد.» سپس به اختصار نظم جهان آرای الهی را برای اداره عالم توضیح می‌دهند.

۴- قرن بدیع (God Passes By) عنوان اثر مهمی است از حضرت شوقی ربّانی که نسبتاً مفصل و در درجه اول حاوی تاریخ سده اول امر بهائی است (۱۸۴۴ تا ۱۹۴۴). از آنجا که ترجمه عنوان کتاب به فارسی آسان نبوده، مترجم عنوان قرن بدیع را برای این اثر برگزیده است که با عنوان انگلیسی نمی‌خواند. این اثر که به صورت کتابی جامع و کامل مرقوم شده است، با مقدمه‌ای از جرج تانزند، پیشگفتار و

فهرست بوسیله مؤسسه نشر آثار امری امریکا، اول بار در سال ۱۹۴۴ منتشر و سپس در سال ۱۹۷۱ تجدید چاپ شده است. نسخه‌ای که در اختیار نگارنده است دوّمین چاپ نشر جدیدی از کتاب است که نشر اول آن در سال ۱۹۷۴ منتشر شده است. چاپ دوّم در سال ۱۹۷۹ ارائه شده و دارای ۴۳۶ صفحه است.^۱

این کتاب اثری است تحقیقی و مطالب آن به چهار دوره "حضرت باب"، "حضرت بهاء‌الله"، "حضرت عبدالبهاء" و "عصر تکوین" تقسیم و در بیست و پنج فصل تنظیم شده است. باید توجه داشت که در اکثر موارد در این کتاب دیدگاه رسمی امر بهائی منعکس است. مطالب کتاب شامل معرفی اصول و تعالیم و نیز مؤسسات اداری امر بهائی به استناد آثار و الواح الهی، و هم‌زمان حاوی شرح سیر تکاملی این مؤسسات در سده اول امر بهائی به استناد مدارک تاریخی است و بنا بر این نمی‌توان و نباید این کتاب را اثری صرفاً تاریخی و حتی تاریخ تحلیلی امر بهائی دانست. شاید بعضی آن را تفصیل و توضیح اثر قبلی مبارک دور بهائی تصوّر کنند ولی این مقایسه نیز صحیح به نظر نمی‌رسد چه این دو اثر ضمن آنکه مطالب مشترکی دارند هریک دارای مطالبی نیز می‌باشند که در اثر دیگر موجود نیست. در مقدمه کتاب آمده است:

«مقصد و مرام از تدوین این کتاب آن نیست که تاریخ یکصد ساله دیانت بهائی به تفصیل بیان گردد و یا اصل و مبدا این نهضت رحمانی تشریح شود و یا اوضاع و احوالی که هنگام طلوع شمس حقیقت موجود بوده به رشته تحریر درآید و یا چگونگی مذهبی که آئین الهی در بین آن طالع گردیده مورد بحث قرار گیرد و یا اثرات و انعکاسات این ظهور اعظم و تأثیراتش در عالم وجود توضیح شود، زیرا نه موقع چنین اقتضا نماید و نه فرصت چنین رخصتی دهد، بلکه منظور آن است که اصول وقایع و امهات حوادثی که با سطوع و انتشار این امر اتمّ افخم مقترن و مصادف بوده، ذکر شود، و مراحل اولیّه استقرار مؤسسات اداری امرالله، هسته مرکزی و مبشر نظم بدیع الهی که خود معرف روح و مجری قوانین و برآورنده مقصود و هدف شریعت الهی در این یوم عظیم محسوبست، مورد مطالعه و دقت قرار گیرد.»

شرح مطالب این کتاب، حتی ذکر عنوان فصل‌های بیست و پنجگانه آن خارج از حوصله این مقاله است. فقط برای نمونه به بخشی که در معرفی کتاب مستطاب اقدس آمده است، اشاره می‌شود.

«نزول کتاب اقدس را از جبروت مقدّس الهی خداوند منان در کتاب ایقان اشاره فرموده و آن را مهیمن بر جمیع صحف و کتب الهیه شمرده است. این سفر بدیع مخزن احکام و شریعت ربّانیه است که اشعیای نبی بدان بشارت داده و حضرت یوحنا در مکاشفات خویش به "سما جدیده" و "ارض جدیده" و "هیکل ربّ" و "مدینه مقدّسه" و "عروس" و "اورشلیم جدید النازل من السماء" تشبیه نموده است. این کتاب مقدّس که حدود و احکامش مدت یک هزار سال ثابت و لن یتغیّر ماند، و نفوذ و

سطوتش اهل ارض را احاطه خواهد نمود، اعلیٰ و اجلی ثمره اسم اعظم و امّ الکتاب دور اعتراف اقدس ابهی و منشور نظم بدیع استنی در این قرن امنع افخم محسوب است...»

این اثر مهمّ بوسیله جناب نصرالله مودّت تحت عنوان کتاب قرن بدیع به فارسی ترجمه و نشر اوّل آن بوسیله لجنة ملّی نشر آثار امری ایران در ۴ مجلد عرضه شده است. نشر دوّم با تجدیدنظر و اضافه کردن فهرست‌های مختلف و بعضی توضیحات بوسیله "مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی-کانادا"، تمیز و زیبا، در یک مجلد قطور ۸۶۰ صفحه‌ای در سال ۱۹۹۲ به چاپ رسیده است.^{۱۱}

نفوسی که اصل انگلیسی و ترجمه فارسی این کتاب را به دقت مطالعه و با هم مقایسه کرده‌اند، دریافته‌اند که گاه بین اصل و ترجمه تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که بعداً به اختصار به آن اشاره خواهد شد.

۵- قبلاً به مجموعه توقیعات و تلگرافات مبارک به محفل ملّی امریکا-کانادا در فاصله زمانی ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۲ که تحت عنوان "تشکیلات بهائی" جمع‌آوری و طبع شده است، اشاره شد. اینک به معرفی دو جلد بعدی این مجموعه می‌پردازیم.

توقیعات مبارک در فاصله زمانی ۱۹۳۲ تا ۱۹۴۶ خطاب به محفل ملّی امریکا صادر شده، در مجموعه‌ای تحت عنوان "پیام‌هایی به امریکا" (*Messages to America*) در سال ۱۹۴۷ از طرف محفل ملّی امریکا انتشار یافته است^{۱۲} که باید آن را جلد دوّم مجموعه عمومی توقیعات امریکا به شمار آورد. با وجود کوششی که شد، نسخه‌ای از این مجموعه بدست نیامد، و به نظر نمی‌رسد که این کتاب به فارسی ترجمه شده باشد. بنا بر این محتوای آن بر بنده معلوم نیست؛ همین قدر می‌توان گفت که این مجموعه شامل توقیعات کوتاه و تلگرافات مبارک است که بیشتر مربوط به مسائل امری در امریکاست.

۶- جلد سوّم این توقیعات مربوط به فاصله زمانی ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۷ است که در کتابی تحت عنوان "قلعه ایمان" (*Citadel of Faith*) در سال ۱۹۶۵ از طرف محفل ملّی امریکا به طبع رسیده است.^{۱۳} این مجموعه تحت عنوان حصن حصین شریعت‌الله بوسیله جناب فؤاد اشرف به فارسی برگردان و از طرف مؤسسه ملّی نشر آثار امری در آلمان در سال ۱۹۹۷ در ۲۶۷ صفحه به چاپ رسیده است.^{۱۴}

این مجموعه شامل ۱۳۱ توقیع است که بیشتر کوتاه و گاه مفصل است. طولانی‌ترین این توقیعات ۴۲ صفحه است. این نامه‌ها مربوط به دوره‌ای است که نظم اداری بهائی در ظلّ هدایت حضرت ولیّ امرالله استقرار یافته، و نقشه هفت‌ساله دوّم امریکا خاتمه پذیرفته و نقشه ده‌ساله جهانی ابلاغ شده و در جریان اجرا بوده است. بنا بر این از طرفی شامل پیام‌های هیکل مبارک برای راهنمایی جامعه بهائی امریکا و عموم اجنّه در کارهای اجرایی این دو نقشه است و از طرف دیگر حاوی اخبار و بشارات پیشرفت‌های حاصله در وصول به اهداف مورد نظر.

در این کتاب برای هر توقیع عنوانی در نظر گرفته شده است که در اصل وجود ندارد، و بنا بر این نباید

این عنوان‌ها را قطعی و یا جزئی از توقعات به شمار آورد، بویژه که این کتاب بعد از صعود مبارک انتشار یافته و به نظر ایشان نرسیده است.

هرچند محتوای کتاب بیشتر مربوط به جامعه بهائی امریکاست، ولی در بسیاری از موارد جنبه عمومی دارد و مطالب مهمی را در مورد نظم اداری و نظم بدیع الهی، حاوی است. از جمله (صفحه ۸ ترجمه) می‌فرمایند:

«در این عصر تکوین امرالله، در طی عهد کنونی [عهد دوم] و عهد آینده آن، انتخاب بیت العدل اعظم الهی، آخرین و اعظم مرحله از مراحل تشیید اساس نظم اداری، انجام شود، و احکام کتاب مستطاب اقدس، ام کتاب آئین بهائی، تدوین و اعلام گردد، و صلح اصغر تأسیس و وحدت نوع بشر تحقق پذیرد، و عالم انسانی به رتبه بلوغ رسد، و نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء اتمام یافته، آئین الهی از قید تعصبات مذهبی رهایی یابد، و استقلال و اصالت آن در سراسر عالم مورد قبول و اعتراف قرار گیرد، و در مستقبل ایام در طی عصر ذهبی که آخرین عصر دور بهائی است، علم صلح اعظم به وعده شارع مکرم به اهتزاز آید...»

و نیز در توقیعی به تاریخ نوامبر ۱۹۴۸ (صفحه ۷۶) با اشاره به مخاصمات جدیدی که بعد از جنگ جهانی دوم بویژه در کشور نوپای اسرائیل در جریان بوده است، می‌فرمایند: «... یقین است چنین مخاصمه در ظهور نظم بدیع عاملی مؤثر بل قاطع بوده و مبشر حلول صلح اصغر خواهد بود...» و در مورد مسائل جزئی از جمله این مطلب آمده است (صفحه ۱۷۴، توقیع مورخ اکتبر ۱۹۵۴) که: «ستاره‌نُه گوشه برای مراد تصویب می‌گردد... نظر حضرت ولی امرالله آن است که حرمت نقش اسم اعظم بیش از آن است که جهت سنگ مرقد مورد استفاده قرار گیرد...»

۷- تا سال ۱۹۵۰ حضرت ولی امرالله توقعات عمومی خود را یا به نام محافل ملی و جامعه‌های ملی و گاه خطاب به عموم یاران غرب یا شرق ارسال می‌داشتند. در سال ۱۹۵۰ که حضرتش مقدمات ابلاغ نقشه ده‌ساله جهانی را فراهم می‌فرمودند، توقیعاتی از طریق محفل ملی امریکا خطاب به عموم بهائیان عالم از شرق و غرب ارسال فرمودند.

به بیان دیگر، در دهه پنجاه، جامعه جهانی بهائی یک پارچه شد، و در سال ۱۹۵۳ اولین نقشه عالم‌گیر برای اجرا در اختیار عموم اهل بهاء قرار گرفت. این خود مرحله جدیدی از سیر تکاملی نظم اداری به سوی اتحادیه جهانی جامعه‌های بهائی که به آن مکرر بشارت داده شد، محسوبست.

این توقعات که بیشتر در ارتباط با نقشه جهانی ده‌ساله صادر شده است، از طرف محفل ملی امریکا جمع‌آوری و در مجموعه‌ای تحت عنوان "پیام‌هایی به عالم بهائی" (*Messages to the Bahá'í World*) در سال ۱۹۵۸ با مقدمه‌ای به قلم جناب هوراس هولی منتشر گردید. سپس در سال ۱۹۷۱ توقعات دیگری نیز که تا آن زمان انتشار نیافته بود، مانند پیام‌های مبارک به اولین کنفرانس‌های تبلیغی بین‌المللی

در آفریقا، اروپا، آسیا و آمریکا به این مجموعه اضافه شد، و نشر جدیدی با فهرست‌های کامل از طرف مؤسسه نشر آثار امری آمریکا به طبع رسید.^{۱۵} (بنده شنیدم که این مجموعه به فارسی ترجمه شده است، ولی با کوششی که کردم نام مترجم و یا نسخه‌ای از این ترجمه به دست نیامد.)

مطالب این توقیعات عمومی و در غایت اهمیت است، و در این مقاله مختصر فرصتی برای اشاره‌ای به آن مطالب نیست. تنها می‌توان گفت که بیشتر این پیام‌ها در ارتباط با نقشه جهانی ده‌ساله و توفیقات حاصله، تشکیل اولین شورای بین‌المللی بهائی، بشارات پیشرفت ساختمان مقام اعلیٰ و دارالآثار، ایادی جدید الانتصاب امرالله، زیارت اعتاب مقدسه، اولین کنفرانس‌های قاره‌ای و موضوع‌هایی از این قبیل است، و جای تأسف است که ترجمه فارسی مجموعه‌ای بدین اهمیت، در دسترس نیست؛ هرچند که بسیاری از مطالب آن در موقع خود قطعاً به فارسی برگردان شده و در مجله اخبار امری یا دیگر انتشارات بهائی به اطلاع جامعه رسیده است.

۸- در تاریخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۸ حضرت ولیّ امرالله توقیع مفصلی خطاب به عموم بهائیان آمریکا و کانادا صادر فرمودند که تحت عنوان ظهور عدل الهی (*The Advent of Divine Justice*) از طرف محفل ملی آمریکا در سال ۱۹۳۹ به طبع رسید و از آن پس چندبار تجدید چاپ شد. نشر دوم در سال ۱۹۶۳ با اضافه کردن فهرست‌های متعدد و نشر سوم در سال ۱۹۶۹ با افزودن مقدمه‌ای به قلم جناب پل هنی (Paul Haney) انتشار یافت. نسخه‌ای که در اختیار نگارنده است چاپ سال ۱۹۷۴ از نشر سوم است.^{۱۶} آقای پل هنی در مقدمه نشر سوم از جمله می‌نویسد که:

«توقیع ظهور عدل الهی بیش از دیگر توقیعات حضرت ولیّ امرالله که خطاب به یاران امریکای شمالی صادر شده است، به روش زندگی افراد بهائی مربوط می‌شود. در این پیام شرایط روحانی لازم برای توفیق در خدمات امری بیان شده است، و در آن نه تنها به عواملی که با حیات درونی روحانی مربوط است اشاره شده، بلکه بر روابط انسانی و اجتماعی لازم که باید پرورش یابد و جزء لا ینفک حیات روزمره هر فرد بهائی باشد، تأکید گردیده است.»

این توقیع منبع تحت عنوان ظهور عدل الهی بوسیله جناب نصرالله مودت به فارسی ترجمه و از طرف مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران منتشر شده است. نشر جدید این ترجمه با خط نستعلیق از طرف لجنة امور احیای ایرانی-امریکایی در سال ۱۹۸۵ در آمریکا به طبع رسیده و تا کنون چندبار تجدید چاپ شده است.^{۱۷} حضرت ولیّ امرالله در این توقیع با اشاره به نقشه هفت‌ساله اول امریکا چنین آغاز سخن می‌فرمایند:

«هر هنگام مراتب عشق و حرارت یاران و روح همت و فعالیت مجاهدان دلیر امر رحمان، رافعان لوای نظم جهان آرای حضرت بهاءالله را در تنفیذ نقشه عظیمه‌ای که به کف کفایت آنان واگذار

گردیده، در نظر آرم، و آثار و شواهد لمیعه این نهضت جلیل را در برابر دیده گان مجسم سازم، و جد و شعف و وله و طربی در قلب و روان احساس نمایم که شرح آن خارج از حدّ وصف و بیان است...»

بعد می فرمایند:

«... بحران های شدید و متواتر که توده عظیم و دائم التزاید جامعه بشری را احاطه نموده و با سطوت و هیبت غیر قابل مقاومتی رو به بسط و افزایش است، قهراً متوجه جامعه جهانی بهائی که شعب و دوائرش به اقصی نقاط عالم گسترده شده، خواهد گردید؛ و اثرات نامطلوب آن ولو به نحو موقت و محدود، محسوس و مشهود خواهد شد... بنا بر این جای شگفتی نیست اگر نفوسی که لوای چنین امر عظیم و سریع التقدّم رحمانی را برافراشته و اهل عالم را به استظلال در ظلّ ظلیل آن دعوت نمایند، معرض فشار و تأثیر قوای مدهشه مرعبه ای که جهان بشریت را متزعزع نموده، قرار گیرید؛ و خود را در گرداب اغراض و اهوای سیئه عصبه غرور مستغرق و محصور مشاهده کنند، چندانکه حریت و آزادیشان محدود، و اصول و مبادیشان مردود، و تأسیسات و معاهدشان مطرود، و اهداف و مآربشان مذموم، و حقوق و اختیاراتشان مسلوب، و اذکار و دعاویشان غیر معتبر و مظنون قلمداد گردد...»

در جای دیگر با اشاره به مهد امرالله و مدینه طهران که حضرت بهاء الله آن را "امّ العالم" و "مطلع فرح عالمین" نامیده اند، می فرمایند:

«اولیای امور از شناسایی دیانت بهائی که حوزه روحانیش متجاوز از ششصد جامعه محلی را در آن شطر مقدّس فرا گرفته، و تعداد مستظلمین در ظلّ آن از تابعان هریک از ادیان مسیحی و کلیمی و زرتشتی در آن کشور فزون تر است، خودداری نموده، و آن جامعه را از اعطای حقوق و اختیارات لازمه که آنان را به تنفیذ نوامیس و تمشیت امور و اداره مدارس و تجلیل اعیاد و انتشار آثار و اقامه شعائر و ارتفاع معاهد و حفظ املاک و موقوفات خویش قادر و موفق سازد، محروم ساخته اند...»

باید در نظر داشت که این بیانات در سال ۱۹۳۸ یعنی ۶۱ سال قبل در اواخر دوره حکمرانی پهلوی اول صادر شده است، و گویای آن است که هم در آن دوره، جامعه بهائی ایران با مشکلات و تضییقات شدیدی دست به گریبان بوده است.

در جای دیگر از حضرت عبدالبهاء نقل می فرمایند که: «الحمد لله آفتاب عدل از افق بهاء الله طالع شد، زیرا در الواح بهاء الله اساس عدلی موجود که از اول ابداع تا حال به خاطری خطور ننموده...» و نیز: «خیمه وجود بر ستون عدل قائم نه عفو، و بقای بشر بر عدل است نه عفو...» و ادامه می دهند که:

«با توجه به بیانات مذکوره در فوق معلوم می شود که چگونه شارع مقدّس این شرع اعظم مشروع

عظیمی را که تاج و هاج و اکلیل جلیل مؤسسات نظم بدیع جهان آرای امر اقوم افخم است، آن را به صفت فضل و عفو موصوف نفرموده، بلکه "بیت عدل الهی" نام نهاده است؛ زیرا عدالت یگانه اساس و بنیان رصین و مؤید [ابدی کننده] صلح اعظم یزدانی است، و این است آن حقیقت متعالیه‌ای که در کلمات مبارکه مکتونه به ابداع اذکار مذکور و به اجمل اوصاف موصوف و به "احب الاشیاء" در ساحت قدس مولی الاسماء تجلیل و تکریم گردیده است.

آنچه ذکر شد یکی دو نمونه کوچک بود از مطالب عالی آن توفیق منبع. فرصت ما کوتاه است و امکانی برای ادامه این کلام باقی نمی‌گذارد.

۹- در سال ۱۹۷۷ به کوشش بیت العدل اعظم برگزیده‌هایی از تویعات حضرت شوقی ربّانی در پنج فصل اصلی با مقدمه‌ای کوتاه و دیباچه‌ای نسبتاً بلند با فهرست مطالب و منابع در جزوه ۶۹ صفحه‌ای تحت عنوان "ندا به ملت‌ها" (*Call to the Nations*) انتشار یافت، و هدف آن اطلاع یاران و عموم مردم جهان از نظم بدیع حضرت بهاءالله برای اداره عالم بود.^{۱۸} این کتاب تحت عنوان حال و آینده جهان از دیدگاه آئین بهائی بوسیله آقای جمشید فنائیان ترجمه و نخست در سال ۱۹۸۰ از طرف محفل ملی ایران نشر شد. سپس در سال ۱۹۸۶ با تجدیدنظری در ترجمه بوسیله ناشری در انگلستان (*One World Publications*) از روی چاپ ایران در ۹۰ صفحه منتشر گردید.^{۱۹} همین کتاب تحت عنوان ندا به اهل عالم بوسیله جناب هوشمند فتح اعظم به صورت ترجمه آزاد و اقتباس به فارسی برگردان و در سال ۱۹۹۳ بوسیله مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی در کانادا در ۹۵ صفحه به طبع رسید.^{۲۰}

خلاصه مقدمه این کتاب آن است که حضرت شوقی ربّانی عناصر پرارزش مدنیت الهی را که استقرارش مهم‌ترین رسالت آئین بهائی محسوبست در آثار خود به تفصیل مطرح فرموده‌اند، و بیت العدل اعظم در این برهه از زمان [سال ۱۹۷۷] لازم می‌داند که جوهر آن مطالب را با ذکر منتخباتی از آن آثار گرانها، دگر بار برای اطلاع و انتباه جهانیان بازگو کند.

در دیباچه کتاب، بیت العدل اعظم با بیانی موجز و محکم، ضمن معرفی مختصر دیانت بهائی، نظرگاه این امر را در مورد نظم جهانی و آینده دنیا که در تویعات حضرت شوقی ربّانی آمده است، توضیح می‌دهند. مطالعه این دیباچه، بویژه برای نفوسی که با امر بهائی تازه آشنا می‌شوند، بسیار سودمندست، و به نظر بنده جا دارد که جداگانه نیز به صورت مقاله‌ای مستقل چاپ و منتشر شود، و در اختیار متحرّیان حقیقت، بویژه در کشورهای غربی، قرار گیرد. در این دیباچه آمده است که:

«رسالت حضرت بهاءالله اعلان این مطلب است که زمان شیرخوارگی و صباوت بشری سپری گشته، و التهابات و هیجاناتی که حال مشهود است مربوط به مرحله بلوغ اوست که به تدریج و همراه با درد و ملال او را آماده وصول به مرحله رشد و کمال می‌سازد، و طلوع عصری را بشارت می‌دهد که سرآمد اعصار است؛ عصری که در آن تیغ و شمشیر به گاو آهن و خیش تبدیل شود، ملکوت آسمانی طبق

وعدة صریح حضرت مسیح بیاید، و صلح جهانی قطعاً تا ابدالآباد در کُره زمین استقرار یابد.»

عنوان فصل اول کتاب «مصائب عالم انسانی» است و در آن به طوفان مخزبی اشاره می‌شود که به عالم مستولی شده است، و از نظر اهل بهاء صورت مصیبتی برای مجازات و تأدیبی تطهیرکننده را دارد. سپس اشاره به رسالت الهی حضرت بهاء‌الله است که در یکصد جلد به ملوک و رؤسا و عموم اهل عالم ابلاغ شده، ولی بای اعتنائی مقامات حکومتی و نفرت رؤسای مذهبی روبرو گردیده است. آنگاه با برشماری علل مصائب کنونی عالم انسانی، تأکید بر آن شده است که ظهورات الهیه متتابع و مکمل یکدیگرند، و امر بهائی هرگز قصد آن را ندارد که مقام پیامبران پیشین را تنزل دهد. آینده دنیا درخشان است، و حدوث این انقلابات با همه قدرت تخریبی که دارد، طلیعه جلوه نظم جهانی جدیدی است که حضرت بهاء‌الله اصول آن را معین فرموده‌اند.

عنوان فصل دوم کتاب «وحدت عالم انسانی» است. در این فصل اهمیّت و نقش نظم بدیع الهی در اداره عالم بیان، و عجز زمامداران دنیا در تطبیق مؤسسات سیاسی و اقتصادی خود با احتیاجات و مقتضیات دنیای امروز که دائماً در حال تغییر و تکامل است، تأکید شده است. سپس بخشی از رساله مدنیّه در مورد صلح اصغر که بوسیله شخص حضرت ولی امرالله از اصل فارسی به انگلیسی ترجمه شده، در این فصل آمده است: «بلی تمدن حقیقی وقتی در قطب عالم علم افزا شد که چند ملوک بزرگوار بلند همت... قدم پیش نهاده مسئله صلح عمومی را در میدان مشورت گذارند...» سپس به بیانی از حضرت عبدالبهاء به این مضمون که دنیا به یک واحد زندگی تبدیل شده، و اتحاد امم نه تنها ممکن بلکه ضروری است، اشاره شده، و هفت شع و وحدت و اصول حکومت بین المللی از بیانات حضرت مولی الوری نقل گردیده است.

عنوان فصل سوم «طرح و نمونه جامعه آینده» است. جامعه جهانی بهائی وقتی به مرحله بلوغ خود رسد، می‌تواند نمونه‌ای برای اتحاد ملل عالم به دست دهد. در این مورد مطالب مفصلی از فصل چهارم توفیق دور بهائی نقل شده است.

عنوان فصل چهارم «جامعه متحده عالم انسانی» است. در این فصل اشاره به صلح اصغر و صلح اعظم است، و اینکه ظلمت اجتماعی و اخلاقی فعلی، بشر را برای دستیابی به دوران شکوهمند آتی که سلطنت لاهوتی حضرت بهاء‌الله است، آماده می‌سازد. جزئیات این جامعه متحده عالم تا آنجا که در آثار بهائی مضبوط است، در این فصل آمده است.

و بالاخره فصل پنجم «سرنوشت نوع انسانی» نام دارد. با آنکه جامعه بشری در عصر حاضر دوره انتقال از طفولیت به بلوغ را می‌گذرانند، ولی بالاخره وارد مرحله رشد و کامل و عصر عظیمی که نقطه اوج جمیع ادوار بشری است، خواهد شد، و به صلح عمومی و پایدار و به یگانگی و دوستی دست خواهد یافت، و نیل به این نقطه اوج، حرکتی تکاملی و تدریجی است که حب وطن را نیز شامل می‌شود.

در نسخه انگلیسی، منابع اصلی بیانات حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء که در این مجموعه نقل شده، مذکور نیست، ولی در ترجمه‌ها صورت نسبتاً کاملی از منابع اصلی موجود است که با آنکه تکمله‌ای مفید است اما برای آنکه تصوّر نشود ناشر خارج از توقیعات مبارک به سلیقه خود مستقیماً به بیانات اصلی حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء مراجعه کرده است، به نظر نگارنده بهترست در این تکمله تصریح گردد که منابع مذکور مربوط به نصوصی است که حضرت شوقی ربّانی انتخاب و در توقیعات خویش آورده‌اند.

حضرت ولیّ امرالله توقیعات و تلگرافات بسیاری به دیگر جامعه‌های بهائی به غیر از ایران و امریکا ارسال فرموده‌اند. بعضی از محافل ملی آن جامعه‌ها منتخباتی از توقیعات مربوط به خود را که عموماً به زبان انگلیسی است، بعد از صعود مبارک منتشر کرده‌اند. ترجمه فارسی هیچیک از این مجموعه‌ها را بنده ندیده‌ام. هرچند این توقیعات بیشتر مربوط به مسائل محلی است و یا تکرار مطالبی است که جداگانه به ایران و امریکا ابلاغ شده است، ولی گاه مسائل عمومی مهمی نیز در این مجموعه‌ها به چشم می‌خورد که در جای دیگر دیده نشده است. بنا بر این بجاست که مطالب این توقیعات به دقت مطالعه شود، و دست کم آنچه جنبه عمومی و غیر تکراری دارد به فارسی ترجمه گردد و در مجموعه‌ای جداگانه انتشار یابد. اهمّ این مجموعه‌ها به شرح زیر است:

۱۰- کتاب قطوری که حاوی توقیعات مبارک به جامعه بهائی انگلستان است.^{۲۱} این جامعه در گسترش و شکوفایی امر الهی در اروپا و استقرار آن در دیگر قاره‌های جهان، چه در زمان حضرت عبدالبهاء و چه در دوران ولایت حضرت ولیّ امرالله، نقشی مؤثر داشته است. سفرهای حضرت عبدالبهاء به انگلستان و ارتباط تحصیلی حضرت شوقی ربّانی با این کشور قطعاً بر اهمّیت این نقش افزوده است. در این ارتباط نفوذ سیاسی و اقتصادی امپراتوری انگلستان را در جهان در نیمه اول قرن بیستم نباید از نظر دور داشت. شاید بر اساس همین ملاحظات است که توقیعات مبارک به جامعه مزبور حجم قابل ملاحظه‌ای دارد، و مجموعه‌ای که تحت عنوان "ظهور سرنوشت" (*Unfolding Destiny*) در سال ۱۹۸۱ به کوشش محفل ملی انگلستان انتشار یافته کتابی حجیم و شامل ۵۳۱ صفحه است. این کتاب با تصویری از مرقد مبارک در لندن و مقدمه‌هایی به قلم جناب حسن موقر بالیوزی، جناب دیوید هوفمن (David Hofman) و جناب فیلیپ هینزورث (Philip Hainsworth) آغاز و با فهرست مفصل اعلام خاتمه می‌پذیرد، و چند نمونه از شمایل و دستخط حضرت شوقی ربّانی را حاوی است.

بسیاری از مطالب این مجموعه جنبه عمومی دارد. برای مثال دو نمونه کوچک ذکر می‌شود. در صفحه ۳۴۶ به تاریخ ۲۰ اپریل ۱۹۵۵ حضرت ولیّ امرالله در جواب سؤال محفل ملی انگلستان می‌فرمایند: «... اصل بر آن است که در حال حاضر هرکجا احکام بهائی با قوانین مدنی کشور مغایر باشد، یاران مقیم آن کشور باید از قوانین مدنی تبعیت کنند...»

و در صفحه ۳۴۸ به تاریخ ۱۰ جولای ۱۹۵۵ می‌فرمایند: «... محافل ملی باید محدوده رسمی

شهرداری را در مورد شهرهای مربوط به خود ملاک عمل قرار دهند...»

۱۱- مجموعهٔ توقیعات مبارک به جامعهٔ بهائی در شبه قارهٔ هندوستان^{۲۲} (*Messages of Shoghi Effendi to the Indian Subcontinent*) این مجموعه نیز کتابی است قطور که تحت نظر محفل ملی هند، به کوشش خانم ایران فروتن - مهاجر تنظیم شده و نشر اول آن در سال ۱۹۷۰، و نشر دوم با تجدید نظر و بعضی اضافات در سال ۱۹۹۵ انتشار یافته است. به نظر می‌رسد که اصل چند توقیع، بویژه در سال‌های اول ولایت، به زبان فارسی بوده باشد که در این کتاب ترجمهٔ انگلیسی آنها آمده است. این توقیعات برحسب تاریخ صدور مرتب شده و از نظر زمانی تقریباً تمام دورهٔ ولایت را در بر می‌گیرد. از نظر مجاورت و ارتباط هند با ایران، مطالب این مجموعه، بویژه از نظر مسائل تاریخی برای احتیای ایران شایان توجه است.

۱۲- مجموعهٔ توقیعات مبارک به جامعه‌های بهائی در قارهٔ اوقیانوسیه: استرالیا، زلاندنو و جزایر جنوبی اقیانوس کبیر^{۲۳} (*Messages to the Antipodes*) با مقدمه‌ای از جناب پیتر خان (Peter Khan) به کوشش جناب گراهام هاسل (Graham Hassel) در سال ۱۹۹۷ منتشر شده و شامل ۷۰۰ توقیع خطاب با جامعه‌های بهائی آن مناطق است. این توقیعات نیز برحسب تاریخ صدور منظم شده است و از نظر زمان تمامی دورهٔ ولایت را در بر می‌گیرد. یکی از مشخصه‌های جالب توجه این کتاب آنست که دو نقشهٔ جغرافیایی، یکی از اقیانوسیه و دیگری از استرالیا و نیوزیلند، پیوست کتاب است که نقشهٔ اول بخشی از نقشهٔ ده‌سالهٔ حضرت ولیّ امرالله را که مربوط به اقیانوسیه است، نشان می‌دهد.

آقای خان در مقدمهٔ خود می‌نویسد که در استرالیا برای اول بار در ماه مارس ۱۸۴۶، یعنی تنها دو سال بعد از اظهار امر حضرت باب در شیراز، در یکی از روزنامه‌های ملبورن از این آئین جدید یاد شده است، و هفت سال بعد در ماه فوریهٔ ۱۸۵۳ در یکی از جرائد اوکلند در زلاندنو گزارشی در مورد امر باب انتشار یافته است. با وجود این اولین مؤمن بهائی در این قارهٔ جدید در سال ۱۹۱۲ در زلاندنو، امر الهی را پذیرا شد، و جزیرهٔ بزرگ استرالیا در سال ۱۹۲۰ بوسیلهٔ یکی از مهاجرین امریکایی به روی امر بهائی گشایش یافت.

بنا بر شرح فوق، مجموعهٔ بالا تمام تاریخ امر بهائی را در اوقیانوسیه در بر دارد، و این کتاب را باید معتبرترین و کامل‌ترین منبع دست اول برای مطالعهٔ تاریخ امر در آن قاره دانست.

وقتی حضرت ولیّ امرالله در سال ۱۹۲۲ اولین پیام خود را به عنوان کلارا و هاید دان (Clara and Hyde Dunn) ارسال فرمودند، تعداد افراد بهائی در آن سرزمین بسیار کم بود. توجه خاص مبارک به این قارهٔ جدید شاهد پیش‌بینی و آینده‌نگری قابل ستایشی است که با الهام از الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء سبب شد که امروز امر بهائی در آن جزائر فعال و شکوفا باشد. عکس‌های تاریخی جالبی نیز در این مجموعه آمده است.

۱۳- مجموعهٔ توقیعات مبارک به جامعه‌های بهائی آلمان و اتریش در دو جلد که در سال‌های ۱۹۸۲

و ۱۹۸۵ (جلد اول و جلد دوم) بوسیله مؤسسه نشر آثار امری در آلمان (Bahá'í Verlag) تحت عنوان "فروغ هدایت الهی" (*The Light of Divine Guidance*) انتشار یافته است.^{۲۴}

با توجه به اهمیت نقشی که جامعه‌های بهائی آلمان و اتریش در استقرار امر بهائی در قلب اروپا داشته‌اند، و با توجه به تاریخ دو امپراتوری سابق در ارتباط با امر الهی و الواحی که حضرت بهاءالله برای دو امپراتور کشورهای مزبور ارسال نموده‌اند، باید این مجموعه مفصل دو جلدی را از مهمترین مجموعه‌های توقیعات حضرت ولی امرالله بشمار آورد.

مجموعه‌هایی نیز از طرف دیگر جامعه‌های بهائی که حاوی توقیعات مبارک خطاب به هریک از آن جامعه‌هاست، در دست است؛ مانند جامعه بهائی آلاسکا تحت عنوان "مسانی عالی" (*High Endeavours*) و جامعه بهائی کانادا تحت عنوان "پیام‌هایی به کانادا" (*Messages to Canada*) و جامعه بهائی سویس و بعضی جامعه‌های دیگر. بعید نیست که در آینده مجموعه‌های بیشتری از طرف دیگر محافل ملی متدرجاً منتشر شود.

هریک از مجموعه‌های مذکور نیز احتمالاً حاوی بعضی مطالب عمومی و بی سابقه است که می‌تواند مورد استفاده عمومی و دست کم پژوهندگان بهائی قرار گیرد.

این نکته را نیز ناگفته نباید گذارد که تعداد زیادی جزوه و رساله و مقاله شامل منتخباتی از آثار حضرت ولی امرالله موجود است که باید آنها را مراجع دست دوم نامید، چه اصل آن آثار در مراجع دست اولی که قبلاً ذکر شد، آمده است. از آن میان، به نظر نگارنده تنها جزوه‌ای که به اهل عالم قابل ملاحظه است که قبلاً به آن اشاره کردیم. جزوه‌ای نیز در مورد حیات بهائی شامل بعضی منتخبات توقیعات مبارک در دست است که به فارسی ترجمه و تحت عنوان حیات بهائی بوسیله مؤسسه مطبوعات امری ایران منتشر شده است. این ترجمه ساده و روان است.^{۲۷} دو اثر نیز از ترجمه‌های انگلیسی حضرت شوقی به فارسی برگردان شده است که بدون ذکر از آنها این مقاله کامل نخواهد بود.

اول - بخشی از تاریخ نیل زرنندی - محمد نیل اعظم - که اصل فارسی آن تاکنون منتشر نشده است، بوسیله حضرت ولی امرالله به انگلیسی ترجمه و با توضیحات و حواشی بسیار و بعضی عکس‌های تاریخی و الواح حضرت باب خطاب به حروف حی و لوحی خطاب به حضرت بهاءالله و مقدمه مفصلی به قلم جورج تانزند، در ۶۸۵ صفحه بوسیله مؤسسه مطبوعات امری امریکا تحت عنوان مطالع الانوار (*Dawn-Breakers*) اول بار در سال ۱۹۳۲ به طبع رسیده و سپس به تکرار تجدید چاپ شده است.^{۲۸} همین کتاب با حذف قسمت عمده‌ای از توضیحات و حواشی بدون عکس‌های تاریخی و الواح حضرت باب از طرف مؤسسه مطبوعات امری انگلستان در سال ۱۹۵۳ منتشر و در سال ۱۹۷۵ تجدید چاپ شده است.^{۲۹}

با آنکه حضرت ولی امرالله در ابتدای کتاب از "نویسنده‌ای انگلیسی" برای تهیه مقدمه یاد فرموده‌اند که منظورشان جورج تانزند بوده است، مؤسسه مطبوعات امری انگلستان متوجه مطلب نشده و در

پیشگفتار خود شخص حضرت شوقی ربّانی را نویسندهٔ مقدمه معرفی کرده، و به همین ملاحظه از تلخیص مقدمه چشم پوشیده است.

این کتاب به بسیاری از زبان‌های مهم دنیا ترجمه شده است. از جمله جناب عبدالجلیل بیگ سعد مصری که پس از صعود به رتبهٔ ایادی امرالله رسید، کتاب مذکور را تحت عنوان مطالع الانوار به عربی ترجمه و در سال ۱۹۴۰ در ۵۵۲ صفحه در مصر به طبع رسانیده است. جناب عبدالحمید اشراق خاوری این اثر را از ترجمهٔ عربی به فارسی تلخیص و ترجمه کرده که با حذف مقدمه و جداول و توضیحات و حاشیه‌ها ولی با حفظ الواح حضرت باب و عکس‌های تاریخی در سال ۱۹۴۸ در طهران در ۶۵۱ صفحه به چاپ رسیده است.

جناب اشراق خاوری در نشر دوم کتاب (۱۳۳۹ شمسی مطابق ۱۹۶۰) می‌نویسد که حضرت ولیّ امرالله در توقیع دوم شهرالکلمات ۱۰۴ خطاب به محفل ملی ایران، ترجمه و تلخیص مزبور را به شرف قبول مطرز فرموده‌اند. آخرین نشر طهران در تاریخ ۱۳۴ بدیع (۱۹۷۸) به چاپ رسیده، و چاپ دیگری از روی نشر اخیر طهران در هندوستان بوسیلهٔ انتشارات مرآت در سال ۱۹۹۱ عرضه شده است. اما چاپی پاکیزه و بی‌غلط است و عکس‌هایی که در چاپ انگلیسی بوده نیز آورده شده است.^{۳۰}

حضرت شوقی ربّانی تنها بخش اول تاریخ مفصل نبیل را که شامل حوادث نه سالهٔ عهد اعلیٰ از عصر رسولی امربهائی است - ۱۸۴۴ تا ۱۸۵۳ - و به سرگونی حضرت بهاءالله به بغداد خاتمه می‌پذیرد، ترجمه فرموده‌اند. بخش‌های بعدی که شامل حوادث دوران حضرت بهاءالله از ۱۸۵۳ تا ۱۸۹۰ است، در این ترجمه نیامده است، ولی حضرت ولیّ امرالله قسمت‌هایی از آن را در کتاب قرن بدیع نقل فرموده‌اند. چون این اثر از منابع مهم دست اول تاریخ امر است، و کار حضرت ولیّ امرالله در تهیهٔ آن از نقش مترجم بسی فراتر می‌رود، به ذکر آن مبادرت شد.

دوم - حضرت ولیّ امرالله در سال ۱۹۳۹ منتخباتی از الواح حضرت بهاءالله را در ۱۶۵ قطعه تنظیم و به انگلیسی ترجمه فرمودند. این اثر تحت عنوان منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله (*Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*) بوسیلهٔ مؤسسهٔ مطبوعات امری امریکا اول بار در سال ۱۹۳۹ منتشر شد و سپس به دفعات تجدید چاپ گردید. از جمله مؤسسهٔ مطبوعات امری انگلستان آن را ابتدا در سال ۱۹۴۹ و سپس در سال ۱۹۷۸ به چاپ رسانید.^{۳۱}

نظر به اینکه این مجموعه بوسیلهٔ شخص حضرت ولیّ امرالله انتخاب و تنظیم شده بود، به تدریج به زبان‌های متعددی ترجمه و نشر شد. در ایران نیز با آنکه اصل بسیاری از این الواح قبلاً انتشار یافته بود، نشر مجموعه‌ای به این صورت که حاوی چند قطعه لوح ناشناخته نیز بود، برای احبّای ایران مفید می‌نمود. بر این اساس اقداماتی جهت یافتن اصل قطعات بوسیلهٔ جناب اشراق خاوری به عمل آمد ولی منجر به انتشار این مجموعه نشد، تا در سال ۱۹۸۵ که مؤسسهٔ مطبوعات امری آلمان با راهنمایی مرکز جهانی بهائی موفق به تهیهٔ اصل فارسی یا عربی ۱۶۱ قطعه از این منتخبات گردید، و آن را به صورت

کتابی زیبا با خطّ خوش نستعلیق در آلمان انتشار داد.^{۳۲} جای چهار قطعه از الواح حضرت بهاءالله که اصل آنها هنوز به دست نیامده در این کتاب خالی است که هر وقت بدست آمد در جای خود مرقوم گردد.

بخش دوّم: نقد ترجمه‌های فارسی

حال که توقیعات مهمّ انگلیسی حضرت ولیّ امرالله را برشمردیم و به آنها که ترجمه شده است اشاره کردیم به نقدی در مورد این ترجمه‌ها می‌پردازیم. ولیّ قبلاً باید چند نکته را یاد آور شویم تا هدف این بررسی معلوم باشد و سوء تفاهمی در این مورد پیش نیاید.

● اول- آنچه به هیچوجه منظور این بررسی نیست خرده گیری به مترجمین محترمی است که وقت و دانش خود را مصروف داشته با ترجمه‌های خویش خدمتی عظیم به احتیای فارسی زبان کرده‌اند چه تنها به اتکای زحمات آنان است که ایرانیانی که با زبان انگلیسی آشنایی کامل ندارند می‌توانند به بخش مهمّی از آثار حضرت ولیّ امرالله راه برند. همانطور که در مقدمه گفته شد معرفت ما از امر حضرت بهاءالله بدون آشنایی با این توقیعات قطعاً ناقص است، و بنا بر این ما مدیون این مترجمین فداکاریم که بدون پاداش مادی، تنها به خاطر ایمانشان به امر مبارک و عشقشان به خدمت، به کار ترجمه پرداخته‌اند.

پس بجاست که از اشخاصی که در این راه قلم زده‌اند، تا آنجا که نامشان بر بنده معلوم است، با احترام و تحسین یاد کنیم. درود بر روان نفوسی از ایشان که به ملکوت ابهّی پیوسته‌اند و سپاس بر آنانی که در قید حیاتند و به خدمات خود ادامه می‌دهند.

مرحوم جناب عبدالحمید اشراق خاوری	مترجم "مطالع الانوار" (تاریخ نبیل)
روانشاد جناب نصرالله مودّت	مترجم "قرن بدیع" و "ظهور عدل الهی"
زنده یاد جناب فؤاد اشرف	مترجم "حصن حصین شریعت‌الله"
جناب هوشمند فتح اعظم	مترجم "نظم جهانی بهائی" و "تدا به اهل عالم"
جناب جمشید فنائیان	مترجم "جلوة مدنیت جهانی" و "حال و آینده جهان"

نام مترجمین دیگر و نفوسی که در هیئت‌های ترجمه به صورت دسته‌جمعی به کار پرداخته‌اند، بر بنده معلوم نیست، ولی نتیجه خدمات ایشان معلوم است و شایسته هرگونه سپاسگزاری و قدردانی.

● دوّم- خرده گیری به ترجمه‌ها نیز هدف این بررسی نیست چه هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند کامل و از هرگونه کمبودی بری باشد. اگر نواقص ترجمه از حدّ قابل قبولی تجاوز نکند، ترجمه مزبور مفید و سزاوار قدردانی است.

● سوّم- اما چنانکه قبلاً گفته شد آثار انگلیسی حضرت ولیّ امرالله متمّم و مکمل آثار اصلی این امر است که باید قرن‌ها راهبر جامعه بهائی و راهنمای عالم انسانی باشد. به این سبب ترجمه این آثار دارای

اهمیتی خاص است و نمی‌توان و نباید نواقص و اشتباهات آن را نادیده گرفت و به آسانی از آن گذشت. با توجه به لزوم ایجاد تعادلی بین سه نکته بالا، تنها هدف این بررسی نقدی است سازنده تا اگر کمبودهایی موجود است، معلوم و برطرف شود و ترجمه‌های بعدی همواره بهتر و صحیح‌تر از قبلی باشد، و در مسیری تکاملی به پیش رود و به وجهی روزافزون اثر و ثمر مفید خود را ظاهر کند.

در مقاله‌ای که در دسامبر ۱۹۹۷ در انجمن ادب و هنر ایران ارائه شد، شرح مفصلی در مورد فن ترجمه بیان گردید که در دست نشر است. در این اجتماع نه فرصت آن است که شرح مزبور تکرار شود و نه چنین نیستی در ضمیر. ولی ناچار از ذکر بخش کوچکی از آن بحثم، چه نقد مورد نظر بر آن پایه استوار است.

در مورد صحت و دقت ترجمه و درجه اطمینانی که می‌توانیم به متنی که از زبان دیگری برگردان شده است، داشته باشیم، باید به "کالبدشناسی" ترجمه توجه کنیم. آنچه ما می‌خوانیم و یا می‌شنویم در گذر از مرحله خواندن یا شنیدن به مرحله فهمیدن و جذب کردن، از سابقه فرهنگی ما می‌گذرد و از آن متأثر می‌شود. به دیگر سخن، از عبارتی واحد، اشخاص مختلف بنا بر سوابق فرهنگی خود، برداشت‌های متفاوتی دارند. مثلاً اگر به شخصی که فرهنگ سنتی ایرانی دارد بگویند که «ساعت هفت بعد از ظهر در منزل دوستی به میهمانی مدعو است»، معمولاً حدود ساعت هفت و نیم و گاه دیرتر حاضر می‌شود، و صاحبخانه نیز همین انتظار را دارد، و هیچکس صحبتی از تأخیر نمی‌کنند، زیرا در فرهنگ امروز ایرانی، حضور سر ساعت در یک میهمانی نمایانگر ذوق زدگی و کم‌شخصیتی است، تا آنجا که اعتبار اشخاص تناسبی با تأخیر ورود ایشان دارد. اما اگر آن فرد آلمانی باشد، رأس ساعت هفت، نه زودتر و نه دیرتر، زنگ در منزل صاحبخانه را خواهد فشرد، و صاحبخانه آلمانی نیز همین انتظار را دارد. اگر شما ایرانی ناشناسی را که تازه با او سلام و علیک کرده‌اید، برای ناهار به رستورانی دعوت کنید، شاد می‌شود و می‌پذیرد و میهمان‌نوازی شما را قدر می‌گذارد و چه بسا که بعداً درصدد تلافی بر می‌آید. ولی اگر از فردی که فرهنگ کاملاً غربی دارد، همین دعوت را به عمل آورید، مشکوک می‌شود که شما چه قصدی دارید و چه کاسه‌ای را زیر نیم کاسه پنهان کرده‌اید، این محبت بغتی چه هدفی را تعقیب می‌کند و شما از او چه می‌خواهید. به همین علت معمولاً بهانه می‌آورد و دعوت شما را نمی‌پذیرد. اگر هم قانع شود که هیچ سوء نیستی در میان نیست، از آنجا که مقید است هر دعوتی را پاسخگو باشد، و چنین امکان یا قصدی ندارد، باز از قبول دعوت سر باز می‌زند، و شما حیران و سرگردان می‌مانید که چرا محبت مرا نپذیرفت و روی خوش نشان نداد.

تازه این تفاوت فهم در مواردی است که مطلب روشن و خالی از پیچیدگی است. بسیاری از گفتارها و نوشتارهای هنری، ادبی، عرفانی، سیاسی، اجتماعی و دینی به علت طبیعت مطلب، دچار نوعی پوشیدگی و ابهام است، و اینجاست که هرکسی بسته به سابقه فرهنگی و اعتقادات و عادات و گاه علایق و منافع شخصی ممکن است برداشت کاملاً متفاوتی داشته باشد.

مطالب عرفانی و اشعار بسیاری از شعرای فارسی‌زبان، چون حافظ شیرازی، همیشه مبهم و اسرارآمیز است. این اشعار خواننده را به گُلستان درونی شاعر می‌برد که هر گلی را خود می‌پسندد بچیند و ببرد. به عبارت دیگر، هرکسی از شعر حافظ بر حسب فرهنگ و عقیده خود برداشت دیگری دارد، و به همین علت است که همه او را می‌پسندند، همه از او راضی و وی را ستایشگرند.

بیشتر نوشته‌های فلسفی و دینی نیز از همین دست است. هگل در این زمینه شهرت خاصی دارد. معروفست که یکی از شاگردانش معنی جمله‌ای را از یکی از مقالات وی از او جویا شد. فیلسوف مروی به نوشته کرد و گفت: «وقتی می‌نوشتم معنی آن بر خداوند و بر من معلوم بود، اکنون فقط بر خداوند معلوم است.»

کالبدشناسی ترجمه را می‌توان در سه مرحله خلاصه کرد:

- ۱- مطالعه متن نوشته اصلی بوسیله مترجم.
 - ۲- فهم و جذب معنی؛ در این مرحله سابقه فرهنگی و جهان‌بینی مترجم کم و زیاد تأثیر دارد.
 - ۳- بازگویی و یا بازنوشت مطلب به زبانی دیگر، در این مرحله مترجم ناچار آنچه را از مطلب فهمیده و کمابیش با سابقه فرهنگی و احساس خویش آمیخته، باز می‌گوید.
- بنا بر این، مترجم کمتر نقش عکاس را ایفا می‌کند، و بیشتر چون نقاشی است که احساس خود را از آنچه دیده است، باز می‌تاباند و ترجمه او نوعی ترجمه احساسی (امپرسیونیستی) است. گاه باورهای مترجم چنان جزمی بر وجودش مسلط است که جدا از سابقه فرهنگی و احساس طبیعی او، وارد مطلب می‌شود، و نوعی ترجمه انتقالی (اکسپرسیونیستی) که رنگی از باورهای مترجم، و به بیان دیگر، تعبیر و تفسیرهای او دارد، بوجود می‌آید. البته برای سبک‌های مختلف ترجمه در زبان فارسی اصطلاحات دیگری معمول است:

- ترجمه سردستی: که به سرعت و بدون صرف دقت کافی برای استفاده فوری انجام می‌شود.
- ترجمه تحت اللفظی: که ترجمه لغت به لغت است و معمولاً در زبان دوم مفهوم درستی به دست نمی‌دهد؛ ترجمه‌های کامپیوتری از این مقوله است.
- ترجمه آزاد: که حاوی جان کلام اصلی است که با کسر و اضافه‌هایی از طرف مترجم ارائه می‌شود. این نوع ترجمه در مورد داستان‌ها و مطالب ادبی و حماسی معمول و مقبول است، و در آن شیوایی بر امانت مقدم است. ما سطوح مختلف این ترجمه را احساسی و انتقالی نامیدیم.
- ترجمه اقتباسی و یا استقبالی: که بهتر است آن را اقتباس یا استقبال بنامیم تا ترجمه. این نوع ترجمه ارتباطی با اصل دارد ولی کسر و اضافه‌ها و تفاوت‌های آن زیاد است، بطوریکه می‌توان آن را متأثر از اصل دانست، نه ترجمه آن. آنچه فیتز جرالده انگلیسی از اشعار عمر خیّام ارائه می‌کند از این دست است.
- ترجمه رسمی: که دقیق است و امانت را بر شیوایی مقدم می‌دارد، ولی ترجمه لفظ به لفظ نیست. این ترجمه اگر به تصدیق مقامات مسئول برسد، بجای اصل می‌نشیند، و در مورد اسناد رسمی و

قراردادهای بین‌المللی معمول و مرسوم است.

● ترجمه نیمه رسمی: شبیه ترجمه رسمی است ولی بدون تصدیق مقامات رسمی و قبول مسئولیت از طرف آنان. این نوع ترجمه برای آثار دینی مناسب‌ترین روش است.

در مورد آثار دینی، مترجم خوب کسی است که سعی کند باورها و حتی احساس و فرهنگ شخصی را در موقع ترجمه به یک سو نهد و مانند عکاس عمل کند تا نقاش احساسی یا انتقالی. امانت در اینگونه ترجمه باید به حدی باشد که اگر در اصل ابهامی هست، آن ابهام در ترجمه نیز منعکس شود؛ نه آنکه آن مشکل بوسیله و به سلیقه مترجم گشوده شده باشد. همانطوری که ذهن خواننده اصل برای فهم و رفع ابهام فعال می‌شود، باید ذهن خواننده ترجمه نیز به حرکت آید.

اگر مترجم در هر دو زبان یکسان مهارت ندارد، باید به زبانی ترجمه کند که در آن ماهر است، و برای زبان دیگر همکاری ماهر در آن زبان انتخاب نماید. ترجمه دو نفری در غرب رواج یافته است. باید پذیرفت که در ترجمه شیوایی و امانت را مشکل می‌توان یکجا جمع کرد. گاه امانت مهم‌تر است، مانند ترجمه‌های حقوقی، سیاسی، تاریخی، تجاری و مذهبی؛ و گاه شیوایی مانند ترجمه‌های ادبی، داستان‌ها، حماسه‌ها، نمایشنامه‌ها و اشعار.

اگر هدف ترجمه این باشد که همه زیبایی‌ها و خصوصیات و اشاره‌ها و استعاره‌های اثری از زبانی به زبان دیگر نقل شود، دست کم در مورد شاهکارهای ادبی، حصول این مقصود محال می‌نماید. هنگام تغییر ظرف زبان، هزاران زیبایی فرار از دست می‌رود. مترجم هر چند دقیق و امین باشد و صمیمانه به کار خود عشق ورزد، نمی‌تواند بر بسیاری از این ضایعات راه بندد. شاهکارهای ادبی، عرفانی، حماسی، مناجات‌ها و اشعار مذهبی چنان آکنده از زیبایی و موسیقی کلام و سحر شاعرانه و غنای تخیل و ابداع هنرمندانه است که مترجم در هر جمله، در هر بیت و مصراع، به جستجو و کوشش بزرگی خواننده می‌شود. کوششی که اگر در جایی که رضایت نسبی حاصل است، رها نگردد، هرگز پایانی نخواهد داشت. بخشی از این شاهکارها نوعی است که هیچ مترجمی به داخل آن راه نمی‌یابد و هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند زیبایی و آهنگ و هیمنه آن را محفوظ بدارد.

این زیبایی و عظمت از مجموعه عواملی سرچشمه می‌گیرد که بدون همگی آنها به زبانی دیگر، به علت تفاوت خصوصیات و کلمات و ترکیبات زبان‌ها و نیز به جهت اختلاف فرهنگ‌ها، امکان عملی ندارد. در برون و در درون معنی ظاهری عبارات و گاه کلمات، زندگی پرشکوه و روح مرموزی موج می‌زند که در ترجمه مشکل بتوان به آن راه یافت. اگر این روح به درستی درک شود و با رعایت امانت به بهترین وجه ممکن به زبانی دیگر منتقل گردد، مترجم به کمال آرزوی خود رسیده است.

همین عوامل سبب شده است که آثار ارزنده مرتباً تجدید ترجمه شود. تراژدی مکبث، اثر جاویدان شیکسپیر (Shakespeare) بیش از دوازده بار بوسیله مترجمین مختلف به زبان فرانسه ترجمه شده از جمله ترجمه موریس مترلینگ نویسنده شهیر بلژیکی از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار است.

در اینجا باید گفت که ترجمه با آنکه با مشکلات فراوان و موانع بزرگی روبروست، دست کم دارای این امکان و مزیت است که مترجم می‌تواند مطالب را در قالب زبان روز بریزد، و از شوق و ذوق خواننده به مطالعه نوشتارهای روان با واژه‌های آشنا سود برد. منظور از زبان روز زبانی است که اکثر مردم، و نه تنها ادبا و فضلا، با آن آشنایی دارند. زبان روز از لغت‌های پیر یا مرده پیراسته و به واژه‌های جوان و زنده آراسته است.

مترجم باید زبان روان روز را در حد بالای شیوایی و رسایی، و نه در حد پائین ابتذال و بازاری، پذیرا باشد، و در این مورد از هرگونه تعصبی پرهیز کند. روزنامه تایمز انگلستان (*The Times*) در شماره ۲۹ ژانویه ۱۹۹۹ خود گزارش داد که زبان سنتی حقوقی که در دادگاه‌های انگلستان معمول است بزودی تغییر خواهد کرد و بجای واژه‌های کهنه و مرده و عبارات لاتینی واژه‌های متداول و قابل فهم عمومی در سندی هشتصد صفحه‌ای رسماً از طرف مقامات دولتی ابلاغ خواهد شد و قضات و وکلا و دیگر نفوس ذینفع برای دوره انتقالی فقط دو ماه فرصت خواهند داشت. دیگر باید بجای "Writ" واژه "Claim Form" و بجای "In Camera" اصطلاح "In Private" را به کار برد.

اگر انگلیسی‌های محافظه کار و سنت پرست نفع خود را در آن دیده و یا ناچار از آن شده‌اند که در جهت قانون طبیعت حرکت کنند و به این تحوّل اجباری زبان تن در دهند، چرا ما نباید در زبان فارسی به چنین تعبیراتی رضایت دهیم. اگر مترجم در این موارد دچار و گرفتار تعصب باشد و با تحوّل طبیعی زبان پیش نرود از آنچه مورد فهم عموم است دور خواهد شد. این فاصله‌گیری در زبان فارسی در هر جهتی دیده شده است. بعضی تعصب دارند فارسی سره بنویسند، و واژه‌هایی را به کار می‌برند که اگر هم صحیح و سابقه‌دار باشد، مفهوم عموم نیست. آخشیح به معنای عنصر، نابیوسیده به معنای غیر منتظره، سگالش به معنای اندیشه و فکر، یادافراه به معنای مجازات، کانا به معنای ابله، هوده به معنای سود و امثال این کلمات مفهوم عموم نیست.

بعضی بر عکس در به کار بردن واژه‌های فرنگی اصرار دارند. بدین جمله توجه کنیم که از یکی از نشریه‌های فارسی گرفته شده است: «این ارگانیزاسیون با کونکسیون‌های میلیتاریستی و ماکیاولیسی خود کاریکاتوری از دموکراتیزم اپوزیسیون بدست می‌دهد.» جوانی فارغ التحصیل دانشگاه معروف ام. آی. تی تازه از شهر بوستون امریکا به ایران مراجعت کرده در دانشگاه صنعتی آریامهر استادیار شده بود. در یکی از مجامع بین دانشگاه‌ها که بنده نیز حاضر بودم، این استادیار جوان حتی افعال را به انگلیسی بیان می‌کرد و بر این تصوّر واهی بود که فارسی صحبت می‌کند. «ما در کلاس روم (classroom) ویت (wait) کردیم تا تیچر (teacher) ارایو (arrive) کرد و لکچر (lecture) خود را استارت (start) کرد...» رئیس دانشگاه جندی شاپور اهواز که مردی وارسته و فرهیخته بود، در آن مجمع حضور داشت، طاقت نیاورد، سخن این جوان مستفرننگ را قطع کرد که آقا جان این زبان ماساچوستی (ماساچوست نام ایالتی در امریکاست که بسیاری از دانشگاه‌های بنام و از جمله ام. آی. تی را در خود جای داده است.) را رها کن و

فارسی حرف بزَن.

به گفته استاد فقید دکتر ذبیح‌الله صفا: «روزهایی بود که گرایش به دشت سواران نیزه گذار عرب زبان ما را دستخوش ترک‌تازی زبان تازی کرده بود. در دوران معاصر ویای غرب‌زدگی به جان کلمات و عبارات فارسی افتاده و چون مرضی مسری به هر جزیی از گفتار و نوشتارها نفوذ کرده است.»

کاربرد کلمات و عبارات و اصطلاحات عربی که در زمان قاجارها معمول و متداول بود، با روی کار آمدن سلسله پهلوی سیری نزولی در پیش گرفت بطوریکه بسیاری از آن لغات و عبارات در نیمه دوم قرن بیستم دیگر نه مفهوم است و نه مقبول. برای مثال کافی است به یک سند رسمی انتقال ملک که گویا هنوز هم به سبک سابق نوشته می‌شود مراجعه کنیم. جمله «اسقاط کافهٔ خیارات از طرفین شد.» را مردم معمولی نمی‌فهمند. می‌گویند صاحب کافه‌ای محلی تازه برای کار خود خریداری کرد و سند انتقال در یکی از دفاتر اسناد رسمی تنظیم شد. سردفتر بنا بر مسئولیتی که داشت متن سند را برای خریدار کم‌سواد برخواند و پرسید که آیا مطالب مندرج در سند را فهمیده است. «البته که فهمیدم.» جواب خریدار بود. سردفتر در فهم صاحب کافه شک داشت. برای محکم‌کاری سؤال کرد که منظور از «اسقاط کافهٔ خیارات علی‌الخصوص خیار غبن» چیست؟ خریدار ساده‌لوح جواب داد که منظور این است که در کافه‌ای که خریده‌ام نباید «خیار اسقاط» به مشتری بدهم ولی تا کنون به خیاری به نام «خیار غبن» برنخورده‌ام.

آیا درست است که عبارت *was written* بجای «نوشته شد» و *حدّا کثر* «مَرقوم شد» به «اتفاق افتاد» ترجمه بشود، بر این اساس که سعدی در دیباچهٔ گلستان آورده است؟ اینگونه ترجمه‌ها از حدّ کج‌سلیقگی و تعصب زبانی و علم‌فروشی فراتر می‌رود، چه مطلب اصلاً مفهوم خواننده نمی‌شود. ارتباط زبان عربی و فارسی بسیار پیچیده و حسّاس و دائماً در معرض تغییر و تحوّل است. هرچند بسیاری از لغات عربی چنان در زبان فارسی معمول و متداول شده است که نمی‌توان و نباید آنها را جدا کرد ولی این امتزاج بدان معنا نیست که هر واژهٔ تازی را وارد زبان فارسی کنیم و یا تصوّر نمایم که زبان فارسی برخلاف دیگر زبان‌های دنیا در مسیر زمان تغییر نمی‌کند. در زبان فارسی در حالیکه صیغه‌های «مُضحک» و «مضحکه» معمول است، ریشهٔ ضحک ناشناخته و غیرمعمول است. ملت‌های عرب زبان حتی بین خود مشکل زبانی دارند. عرب زبان عراقی قادر نیست با عرب زبان مراکشی به سهولت مکالمه کند. کوتاهی این سخنرانی فرصتی برای بحث در چگونگی ارتباط زبان فارسی و عربی باقی نمی‌گذارد. منظور تنها تأکید این مزیت ترجمه است که مترجم می‌تواند و شایسته است مطالب را در قالب زبان روز بریزد.

برای استفاده از این مزیت، می‌توان و بلکه باید هر وقت زمان اقتضا کند، از نوشته یا کتاب مورد نظر، ترجمه‌ای جدید ارائه کرد و بدین ترتیب ترجمه را همواره تر و تازه و قابل استفاده نگاه داشت. ویرایش متون قدیمی هر زبان در موقع تجدّد چاپ نمی‌تواند از حدّ اضافه کردن پیشگفتار جدید و پانویس‌ها و فهرست‌ها و توضیح واژه‌های کهنه و مرده و فصل‌بندی و امثال این اضافات که مطالعه و فهم

مطلب را برای خواننده آسان‌تر می‌کند فراتر رود ولی در ترجمه دست ما باز است. در سال‌های اخیر ترجمه جدیدی از کتاب انجیل به فارسی منتشر شده است.^{۳۳} این ترجمه از روی متن یونانی که قدیمی‌تر و معتبرتر از متن عبری است صورت گرفته است و با ترجمه سابق تفاوت‌هایی دارد. حضرت عبدالبهاء در مفاوضات مبارک آیات چندی از ترجمه قدیم فارسی انجیل را نقل فرموده‌اند که جا دارد وقتی این اثر مبارک تجدید طبع می‌شود، ترجمه جدید نیز در حاشیه درج گردد. مثلاً آنجا که حضرت عبدالبهاء آیه اول از باب یازدهم مکاشفات یوحنا را (کتاب مفاوضات فارسی، ص ۳۵) نقل می‌فرماید: «و نئی مثل عصا به من داده شد و مرا گفت برخیز و قدس خدا و مذبح و آنانی را که در آن عبادت می‌کنند پیمایش نما...» در ترجمه جدید به این صورت آمده است: «به من چوب بلندی که مانند چوب اندازه گیری بود، دادند و گفتند برو معبد خدا و مذبح را اندازه بگیر و عده عبادت‌کنندگان را بشمار...»

در اینجا باید به نکته‌ای ظریف و قابل اهمیت اشاره شود که هر چند حضرت عبدالبهاء از ترجمه قدیم که تنها ترجمه موجود در آن زمان بوده است، نقل قول فرموده‌اند، ولی این دلیل بر آن نیست که بر آن ترجمه و یا اصلی که از آن ترجمه شده است، صحه گذارده‌اند. نقل قول دلیل علاقه به موضوع است ولی دلیل بر تأیید صحت آن نیست. بر همین اساس است که مطبوعات بعضی از مطالب مورد نظرشان را به صورت نقل قول با ذکر منبع منتشر می‌کنند تا در مقابل قانون مسئول نباشند. این روش از قدیم معمول بوده است.

وقتی حضرت ولی امرالله کتاب ایقان را ترجمه می‌فرمودند از جورج تانزند که با زبان یونانی و ادبیات کلیسایی آشنایی داشت، خواستند که در مورد آیه‌هایی از کتاب مقدس که جمال مبارک از ترجمه عربی در کتاب ایقان نقل فرموده‌اند، به اصل یونانی مراجعه کند تا اگر اختلافی باشد از متن یونانی که اعتبار بیشتری دارد به انگلیسی ترجمه شود. به بیان دیگر حضرت ولی امرالله نقل قول جمال مبارک را دلیل بر صحت و قطعیت ترجمه عربی کتاب مقدس ندانستند و ما نیز در ترجمه‌ها باید همین رویه را دنبال کنیم. در ارتباط با مطالبی که بیان شد مایلم به کتابی اشاره کنم که آقای گیدون توری (Gideon Toury) تحت عنوان "در جستجوی فرضیه‌ای برای ترجمه" در سال ۱۹۸۰ به زبان انگلیسی انتشار داده است.^{۳۴} نویسنده کتاب برای فن ترجمه دو قطب مقابل هم منظور می‌دارد:

اول- قطب معقول و عاری از هرگونه احساس و نظر شخصی (Objective) که نمونه آن به نظر بنده ترجمه کامپیوتری است که طبق قوانین معینی عمل می‌کند و شاید عنوان "ترجمه تحت اللفظی" برای آن مناسب باشد.

دوم- قطب احساسی که تابع نظر و فرهنگ مترجم است (Subjective) و در این مقاله آن را احساسی یا انتقالی نامیدیم.

نویسنده سپس متذکر می‌شود که در عمل، کار ترجمه در نقطه‌ای یا حالتی بین دو قطب مذکور صورت می‌گیرد. به بیان دیگر نه کاملاً در قطبی که تنها تابع قوانین خشک و غیر قابل تغییر است و نه کاملاً

در قطبی که فقط تابع احساسات و فرهنگ مترجم است، بلکه در نقطه‌ای بین این دو قطب که موقعیت آن نقطه به نوع مطلبی که باید ترجمه شود، مربوط است. او معتقد است که برای هر یک از این نقاط یا حالات بین دو قطب نیز قواعد نرمی موجود است که جایی برای احساسات و فرهنگ مترجم باقی می‌گذارد و میزان این نرمش طبعاً به نزدیکی یا دوری نقطه یا حالت ترجمه از دو قطب بالا وابسته است. بنا بر این باید قبل از شروع به ترجمه دو مطلب زیر را مورد توجه قرار داد:

اول- مناسب‌ترین نقطه یا حالت را بین دو قطب مذکور برای مطلب مورد ترجمه تعیین کرد. مثلاً برای ترجمه داستانی حماسی، نقطه‌ای نزدیک تر به قطب احساسی، و برای ترجمه متنی حقوقی یا دینی، نقطه‌ای نزدیک تر به قطب معقول را برگزید.

دوم- قواعد انعطاف‌پذیر مربوط به این نقطه یا حالت را جستجو و معین کرد. سپس در چهارچوب آن قواعد کار ترجمه را انجام داد.

حال بعد از اشاره به این مطالب کلی برگردیم به ترجمه‌های فارسی که از آثار انگلیسی حضرت شوقی ربّانی در دست داریم. جان کلام را در شش قسمت فشرده بیان می‌کنیم:

اول- جز در دو مورد که دو ترجمه مختلف در دست است، ترجمه‌های دیگر فقط یک نوبت انجام شده و بنا بر این از مزیت مهمی که تجدید ترجمه در اختیار ما می‌گذارد استفاده قابل ملاحظه‌ای به عمل نیامده است. دو مورد مزبور مربوط است به ترجمه توفیق تولد مدینت جهانی مورخ ۱۱ مارچ ۱۹۳۶ و ندا به اهل عالم که جناب فتح اعظم ترجمه دومی ارائه کرده‌اند.

دوم- با آنکه بعضی یا بسیاری از توفیعات مبارک به فارسی ترجمه شده ولی هنوز تعداد قابل ملاحظه‌ای از این توفیعات که جنبه عمومی دارد به فارسی در نیامده است، و اگر ترجمه بعضی از آنها در مجله اخبار امری ایران و نشریات مشابه آن منتشر شده باشد، اکنون در دسترس پژوهندگان و علاقمندان نیست.

سوم- بعضی از این ترجمه‌ها طبق اظهار صریح مترجمین در مقدمه یا پیشگفتار، آزاد، مضمونی و حتی اقتباسی است و بنا بر این از نوع احساسی و یا انتقالی است. مترجم کتاب قرن بدیع که روش مذکور را اختیار کرده در موارد متعددی بخشی از کلمات و عبارات مبارک را تا نزدیک بیست درصد به تشخیص خود حذف نموده و کلمات و عبارات زیادی تا حدود چهل درصد به سلیقه خویش بر آن افزوده است، شاید برای آنکه ترجمه شباهت بیشتری به نوشته‌های فارسی حضرت ولی امرالله پیدا کند.

اینگونه ترجمه‌ها هرچند می‌توانند مفید واقع شود و جان کلام مبارک و روح مطلب ایشان را تا حدی منعکس سازد ولی ما را از ترجمه کامل و دقیق آن توفیعات به روش نیمه رسمی بی‌نیاز نمی‌کند. ما نمی‌توانیم در گفتار و نوشتار خود از ترجمه‌های آزاد به نام حضرت شوقی ربّانی به صورتی قطعی نقل قول کنیم، زیرا چنانکه گذشت، فرهنگ مترجم و به عبارت ساده‌تر، تعبیر و تفسیر مترجم را به همراه دارد. حد اکثر می‌توانیم بگوییم که حضرت شوقی ربّانی در توفیعی انگلیسی مطالبی بیان فرموده‌اند که

مضمون تقریبی آن به ترجمه فلان شخص چنین است، چه مترجم دیگری ممکن است مضمون تقریبی دیگری به دست دهد که با نوشته مترجم اول انطباق کامل نداشته و احیاناً مغایر باشد.

اگر به ترجمه‌های حضرت شوقی ربّانی از آثار و الواح فارسی و عربی به انگلیسی توجه کنیم، ملاحظه می‌کنیم که آن ترجمه‌ها از نوع آزاد و مضمونی نیست، تحت اللفظی هم نیست، متمایل به روش نیمه رسمی است. حضرتش در این ترجمه‌ها همواره امانت را بر شیوایی مقدم داشته‌اند، و انطباق ترجمه با اصل از جمله در مورد کتاب ایقان شگفت‌آور است. کتاب مستطاب اقدس بر اساس همین روش به انگلیسی ترجمه شده و در آن اصل امانت در درجه اول اهمیت قرار گرفته است.

ترجمه مضمونی هر قدر هم دقیق باشد، ممکن است سوء تفاهماتی را سبب شود. برای نمونه مثالی از مترجمینی دیگر و کتابی دیگر مذکور می‌گردد هر چند اینگونه مثال‌ها در ترجمه‌های توقیعات مبارک کمیاب نیست. کتاب دیانت بهائی، آئین فراگیر جهانی (*The Bahá'í Religion, The Emerging Global Religion*) به فارسی روان ترجمه شده است. در صفحه ۱۳۴ آن کتاب جمله زیر آمده است:

"Bahá'ís believe, while local and secondary Houses of Justice will be under the guidance of God, the decisions of the Universal House of Justice are uniquely inspired and authoritative."

در ترجمه فارسی آمده است: «اهل بهاء معتقدند گرچه بیوت عدل خصوصی و محلی در ظلّ هدایت حقّ تعالی می‌باشند، ولی این تنها بیت العدل اعظم الهی است که مرجع ملهم و مصون از خطا بوده و تصمیمات آن قطعی، معتبر و لازم الاجراست.» (صفحه ۱۷۸)

این ترجمه مضمونی و از نوع احساسی است یعنی مترجم جمله انگلیسی را خوانده و آنچه را خود فهمیده به فارسی بیان کرده است. فارسی‌زبانی که جمله بالا را می‌خواند با توجه به کلمه "تنها" که با کلمه "این" مورد تأکید قرار گرفته است به این مفهوم مخالف می‌رسد که: «بیوت عدل خصوصی و محلی ملهم نیستند و تصمیماتشان قطعی و معتبر و لازم الاجرا نیست.» در حالیکه در متن انگلیسی چنین چیزی گفته نشده است و ما می‌دانیم که بیوت عدل خصوصی و محلی که همان محافل روحانی ملی و محلی‌اند هر چند مصون از خطا نیستند، می‌توانند جاذب الهامات الهی باشند و تصمیماتشان در بسیاری از موارد قطعی، معتبر و لازم الاجراست.

ترجمه زیر از جمله بالا هر چند از شیوایی دور است ولی به امانت نزدیک است و مطلب را بطوری که نویسندگان بیان کرده‌اند، بازگو می‌کند: «اهل بهاء معتقدند که هر چند بیوت عدل محلی و خصوصی در ظلّ هدایت حقّ قرار دارند، ولی تصمیمات بیت العدل اعظم به وجهی یکتا و بی سابقه متأثر از الهام الهی و واجد اعتبار است.»

عنوان مجموعه *Call to the Nations* را مترجم دوم ندا به اهل عالم ترجمه کرده که منطبق با اصل

است و هیمنه و شیوایی آن را تا حدی در خود دارد. معلوم نیست بر چه اساسی مترجم اول عنوان کتاب را حال و آینده جهان نامیده است که نه تشابهی به اصل دارد و نه تأثیر و قدرت عنوان اصلی را حفظ کرده است. علت تنها روش ترجمه آزاد است که سلیقه شخصی مترجم را وارد ترجمه می‌کند. در پیشگفتار بیت العدل اعظم در مجموعه ندا به اهل عالم آمده است که:

"but the means to achieve it baffle even its most passionate advocates" که ترجمه

نیمه رسمی آن می‌تواند چنین باشد: «ولی چگونگی و سائل تحقق آن [نظم بدیع] حتی پرشورترین طرفدارانش را متحیر می‌سازد.» همین جمله در ترجمه اول چنین آمده است: «ولی حتی پرشورترین طرفدارانش در تحقق چنین نظمی خود را ناتوان می‌یابند.»

این ترجمه بجای آنکه مانند اصل خبر از وقایع و وسائط و وسائل غیر منتظر و متحیرکننده‌ای بدهد که موجب تحقق و استقرار نظم بدیع جهان آرای الهی خواهد شد، تنها از ناتوانی طرفداران پرشور امرش حکایت می‌کند، مطلبی که در اصل مطلقاً مطرح نشده است.

منظور آن است که وقتی مترجم روش ترجمه آزاد را برگزید، هر قدر هم دقت کند، دچار لغزش‌هایی از این قبیل خواهد شد. نتیجه آن است که تصویری که از حضرت ولی امرالله در ذهن فارسی‌زبانان ترسیم می‌شود با آنچه در ذهن غریبان وجود دارد، تفاوت خواهد داشت. به عبارت ساده‌تر آنان هیکل مبارک را نوعی می‌شناسند و ما نوعی دیگر.

چهارم - حضرت ولی امرالله در بسیاری از توقیعات خود جمله‌ها، بندها و گاه صفحاتی از الواح جمال مبارک و حضرت عبدالبهاء را نقل فرموده‌اند. مترجمین به حق سعی دارند که اصل این الواح را یافته و در ترجمه خود بگنجانند. در این مورد مترجم با دو مشکل مواجه است. مشکل اول آنست که بسیاری از این الواح عربی است، و نظر به اینکه بیشتر فارسی‌زبانان با زبان عربی آشنا نیستند، ممکن است به همین علت از مطالعه و فهم ترجمه محروم شوند. جناب فتح اعظم در این مورد روش مناسبی به کار برده است که می‌تواند سرمشقی برای دیگر مترجمین قرار گیرد و آن این است که مضمون جمله‌ها و بندهای عربی را به فارسی روانی در آخر کتاب آورده است. مشکل دوم آنکه اصل بعضی از این الواح بدست نیامده است. در این مورد مترجم ناچار است الواح منتخب را از انگلیسی به فارسی ترجمه کند و در ذیل آن بنویسد "ترجمه". این روش گاهی سبب تحیر خواننده می‌شود، چه خواننده عادی که می‌داند کتاب سراسر ترجمه است، ممکن است از ملاحظه لفظ "ترجمه" در زیر جمله یا بندی خاص دچار تعجب شود و نداند که منظور این است که اصل جمله یا بند مذکور فارسی یا عربی است که یافت نشده است. شاید بهتر باشد الواحی که در توقیعات مبارک نقل شده، اگر اصل آن عربی است و یا بدست نیامده و ناچار باید از انگلیسی ترجمه شود، به صورت مضمون تقریبی به زبان فارسی در ترجمه مذکور گردد تا متن کتاب یکدست فارسی و مطالعه آن آسان و روان باشد، و اصل عربی یا متن انگلیسی الواح مذکور در آخر کتاب به ترتیب شماره ثبت گردد. در این صورت مطالعه کتاب برای عموم علاقمندان از بهائی و غیر

بھائی، عربی دان و نفوسی کہ با عربی آشنایی ندارند، امکان پذیر و سادہ می شود، و ہم زمان اصل الواح نیز در دسترس خواستاران و پژوهندگان قرار می گیرد. جای تأسف است کہ بیشتر مترجمین مضمون الواح عربی را بہ فارسی مذکور نداشته اند و بہ همین دلیل ترجمہ های آنان برای بسیاری از فارسی زبانان، بویژہ غیر بھائیان کمتر قابل استفادہ است. این مشکل بویژہ در ترجمہ قد ظہر یوم المیعاد بہ چشم می خورد و خوانندہ حیران می ماند کہ این ترجمہ برای چہ گروہی نوشتہ شدہ است.

پنجم: نکتہ قابل ملاحظہ دیگر این است کہ بعضی از مترجمین برخی لغات و عبارات قدیمی و نامأنوس فارسی یا عربی را بہ کار بردہ اند، و معادل متداول آن را بہ صورت زیرنویس بدست دادہ اند. البتہ اگر این لغات و عبارات مربوط بہ الواح و آثار مبارکہ باشد، روش مذکور پسندیدہ است و جز آن چارہ ای نیست؛ ولی اگر مربوط بہ نوشتہ مترجم باشد دست کم بندہ را دچار شگفتی می کند کہ چرا ہمآن معادل مأنوس را بجای اصل مغلّ و نامأنوس نگذاردہ اند. مثلاً در متن واژہ نامأنوس "تشحید" و در پانویس معادل آن "تحریک" را آورده اند در حالیکہ می توانستند "تحریک" را در متن قرار دهند و از لغت نامأنوس "تشحید" صرف نظر کنند. جای دیگر در اصل مرقوم داشته اند "بہ لون اخضر ملون" و در پانویس "سبز رنگ" کہ ترکیبی زیبا و زود فہم است و می تواند بجای اصل بنشیند.

ششم - مشکلات ناشی از سبک نگارش و عدم آشنایی کامل با فرهنگ فارسی یا انگلیسی و دستور زبان است.

● در بعضی ترجمہ ہا واژہ هایی کہ بہ کار رفتہ یکدست نیست. مثلاً ہم بعضی کلمات نامأنوس قدیمی چون نطاق و مخسوف و متوج و سیطرہ بہ چشم می خورد و ہم واژہ های تازہ و گاہ فرنگی مانند روند و الگو و جہان شمول و میرا و گاہ ترکیبی از لغت قدیمی و واژہ نو مانند "روند لن یتغیر".

● در بعضی موارد بہ نظر می رسد کہ مترجم با معنای ضمنی لغات (Connotation) آشنایی ندارد. بہ عنوان مثال عنایت بہ این ندارد کہ کلمہ "جہان وطنی" در زبان فارسی امروز معنای ضمنی "عدم علاقہ بہ وطن خاص" و "نفی میهن پرستی" را یافتہ است، و بنا بر این لزومی ندارد برای بیان آنکہ جہان وطن ہمہ افراد بشر است از این واژہ ویژه استفادہ شود. بجای آن می توان گفت "دنیا را یک وطن دانستن" و "جہان را یک میهن مشترک" شمردن.

● مشکلات ترجمہ دو جانبہ است. مترجمین فارسی بہ انگلیسی نیز دچار لغزش هایی شدہ اند. جناب نخجوانی در نطقی کہ گویا در ارض اقدس ایراد کردہ اند و بخشی از آن در کتاب ارکان نظم بدیع (صفحہ ۲۷۴) نقل شدہ است، بیان می کنند کہ:

«وقتی لوح کرمل در زمان حضرت عبدالہاء بوسیلہ احمد سہراب بہ انگلیسی ترجمہ شد و در مجلہ نجم باختر منتشر گردید، وقتی بہ کلمہ "تجری سفینہ اللہ علیک" می رسد، مترجم نمی دانستہ چطور ترجمہ کند. چون جریان سفینہ بر کوه امر غیر عادی است، لذا مترجم ترجمہ کردہ کہ عنقریب

کشتی‌های عالم به سوی تو، ای کوه کرمل، خواهند آمد. یعنی خیال کرده اشاره است به ورود زائرین و مسافرین و توریست‌ها برای زیارت کوه کرمل... کسی فکر نمی‌کرد که مقصود از این سفینه‌الله بیت العدل اعظم است و متفرعات آن.»

حالا در این مجمع بنده عرض می‌کنم که اگر مترجم برداشت شخصی و تعبیر و تفسیر خود را دخالت نمی‌داد و عین جمله را با آنکه ابهامی در بر دارد، ترجمه می‌کرد، این اشتباه پیش نمی‌آمد که بجای بیت العدل اعظم از توریست‌ها یاد شود. اینگونه اشتباهات درجه اول ناشی از آن است که مترجم با ادبیات دینی شرقی آشنایی چندانی ندارد.

به مورد دیگری نیز بنده برخورده‌ام که به عنوان نمونه ذکر می‌کنم. واژه "قرن" در زبان فارسی دو معنی دارد. یکی سده است یعنی یکصد سال، و دیگر دوره و عصر. کلمه قرن در الواح الهی مکّرر به معنای دوره و عصر به کار رفته است، مانند این قرن بدیع، این قرن عظیم، ای جوانان قرن یزدان. بعضی از مترجمین تصوّر کرده‌اند که در انگلیسی نیز Century هر دو معنی را حاوی است و مثلاً بجای آنکه قرن یزدان را The age of God ترجمه کنند آن را The Century of God ترجمه کرده‌اند. خواننده غربی از کلمه Century منحصرأ یکصد سال، آنهم در تقویم میلادی را فهم می‌کند و با توجه به تاریخ صدور لوح تصوّر می‌کند که در ادبیات بهائی "قرن بیستم" را قرن یزدان می‌نامند و شاید پا پی شود که قرن نوزدهم چه عنوان خاصی دارد.

مورد دیگر دو واژه "حجّ" و "زیارت" است که هر دو به انگلیسی Pilgrimage ترجمه شده است. در نتیجه بعضی از بهائیان غربی تصوّر کرده‌اند که زیارت اعتاب مقدّسه در ارض اقدس "حجّ" محسوبست و طالب لوح "حجّ" شده‌اند که مراسم لازم را در موقع زیارت مقام اعلیٰ و روضه مبارکه بجا آورند. در جهت عکس یعنی در ترجمه از انگلیسی به فارسی نیز در مورد توقیعات حضرت ولیّ امرالله شبیه اشتباهات بالا مکّرر روی داده است که یا ناشی از عدم آشنایی مترجم با معانی ضمنی واژه‌ها و عبارات انگلیسی و عمق فرهنگ غرب است و یا شاید نتیجه عجله و عادت است. برای مثال تنها یک نمونه ذکر می‌شود.

اصطلاح انگلیسی Commonwealth به معنای اتّحادیّه تعدادی جامعه‌های سیاسی یا غیر سیاسی است که در نقاط مختلف جهان واقع باشند، هریک در حوزه خود دارای حقوق و استقلال کامل باشند، ولی نظر به وجه مشترکی که با هم دارند و یا چون در مورد یا مواردی مشترک المنافع‌اند، برای شکوفایی آن وجه مشترک و یا حفظ آن نفع همگانی، گرد هم آمده باشند.

در لغت‌نامه فشرده آکسفورد (*The Concise Oxford Dictionary*) نمونه چنین جامعه‌هایی اگر غیر سیاسی باشند، جامعه‌های طالب معرفت و دانش (*The Commonwealth of Learning*) که در سال ۱۶۶۴ تشکیل شد، مذکور است و نمونه جامعه‌های سیاسی و فرهنگی، اتّحادیّه کشورها و مناطقی که در

سابق جزء امپراتوری انگلستان بودند و بعد از جنگ دوّم جهانی به تدریج استقلال کامل یافتند و وجه مشترکشان وابستگی به زبان و فرهنگ انگلیسی است. در لغت‌نامه جدید ریدرز دایجست (*Readers Digest*) (طبع ۱۹۹۶، صفحه ۲۸۶) در تعریف این عبارت جمله زیر آمده است:

Communities or organizations of shared interest یعنی جامعه‌ها یا مؤسساتی که دارای علائق و منافع مشترک‌اند. بنا بر این ترجمه *The Bahà'ì Commonwealth* که حضرت ولیّ امرالله در تویعات خود مکرّر به کار برده‌اند باید مفاهیم زیر را در بر داشته باشد:

اول- جامعه‌هایی که متعدّدند و در نقاط مختلف جهان پراکنده‌اند.

دوّم- هریک از این جامعه‌ها برای خود مستقلّ بوده، تحت نفوذ و فرمانروایی جامعه‌های دیگر نیستند.

سوّم- این جامعه‌ها دارای وجه و علاقه و نفع مشترکی هستند، که در این مورد تعلق آنها به امر مبارک یعنی بهائی بودن آنهاست.

چهارم- به مناسبت این وجه مشترک این جامعه‌ها اتّحادیه‌ای جهانی با تشکیلاتی جهانی- بیت العدل اعظم و مرکز جهانی بهائی- بوجود آورده‌اند تا با هم هم‌آهنگ و همراه باشند و وجه و نفع مشترک خود را پیوروند. با در نظر گرفتن این چهار مشخصه می‌توان آن را «اتّحادیه جهانی جامعه‌های بهائی» ترجمه کرد. حضرت ولیّ امرالله به دفعات در تویعات خود فرموده‌اند که وقتی این اتّحادیه به مرحله بلوغ رسد و محافل محلی و ملی تبدیل به بیوت عدل محلی و خصوصی گردد، نمونه و الگویی به دنیا ارائه می‌کند که چگونه ملت‌های مختلف و مستقلّ دنیا نیز می‌توانند اتّحادیه‌ای جهانی بوجود آورند و صلح اصغر را عملی سازند و به جنگ و جدال و اختلاف و قتال خاتمه دهند.

در کتاب اقدس و ملحقات آن که اخیراً برای فارسی‌زبانان در آلمان به چاپ رسیده است، در قسمت یادداشت‌ها- یادداشت ۱۸۹ صفحه ۲۳۳- این اصطلاح از یکی از تویعات حضرت ولیّ امرالله «اتّحادیه جهانی بهائی» ترجمه شده است که با عبارت پیشنهادی بنده «اتّحادیه جامعه‌های جهانی بهائی» تقریباً منطبق است (یادداشت ۱۸۹ در ترجمه کتاب اقدس به انگلیسی در صفحه ۲۴۷ و ۲۴۸ آمده است) ولی در ترجمه تویع دور بهائی در سال ۱۹۳۸ بوسیله مترجمی که نامش بر بنده معلوم نیست این اصطلاح «حکومت عالمگیر بهائی» و در جای دیگر تویع «حکومات متّحده بهائی» ترجمه شده و از آن پس یعنی دورانی حدود شصت سال تقریباً همه‌جا بوسیله نویسندگان و مترجمین بهائی نقل قول گردیده است.

واژه "حکومت" در زبان فارسی به معنای دولت است که معادل انگلیسی آن *Government* می‌باشد که از اجزای عبارت *Commonwealth* نیست. بنده وارد بحث آنکه این ترجمه در ذهن فارسی‌زبانان، بویژه اگر غیر بهائی باشند، چه اثری می‌گذارد و به چه تعبیر و تفسیرهای نابجایی منجر می‌شود، نمی‌شوم، فقط مایلیم این واقعیت روشن شود که ترجمه مزبور صحیح نیست و ناشی از عدم آشنایی مترجم یا

مترجمان با عمق معنی و معانی ضمنی این عبارت بوده است، و بنا بر این هرگونه تعبیر و تفسیر و نتیجه‌گیری که مبنای آن این ترجمه باشد نیز صحیح نخواهد بود.

● مشکل دستور زبان: مترجمینی که سالیان دراز از ایران و مجامع فارسی‌زبان دور بوده‌اند و بیشتر با اجتماعات انگلیسی‌زبان در رفت و آمدند، گاه در ترجمه‌های خود از دستور زبان انگلیسی پیروی کرده‌اند. از جمله در آن زبان اسم نامعلوم (نکره) تقریباً همیشه با اضافه کردن حرف تعریف "یک" (a) مشخص می‌شود، ولی در زبان فارسی، با آنکه در سابق گاهی کلمه "یکی" برای اسم نکره بویژه در شعر به کار رفته است مانند: «یکی گربه در خانه زال بود» (سعدی) ولی در فارسی جدید دیگر از این روش پیروی نمی‌شود، و اسم را، از جمله، با اضافه کردن "ی" یا در مورد کلماتی که به "ه" غیر ملفوظ ختم می‌شود "ای" به آخر کلمه به حالت نکره در می‌آورند مانند: درویشی را ضرورتی پیش آمد (گلستان) نه آنکه یک درویش را یک ضرورت پیش آمد. "یک" را عموماً به معنای عدد واحد در فارسی امروز به کار می‌برند. «همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار» یعنی همه میوه درخت واحد و برگ شاخسار واحد. آقای پرویز ناتل خانلری در کتاب دستور زبان فارسی مقاله‌ای در این مورد دارد. او معتقد است که اگر بگوییم: «اگر یک جوان کوشش کند، موفق خواهد شد» صحیح نیست چه "یک" ممکن است مفهومی خلاف مقصود نویسنده به ذهن القا کند، و خواننده پندارد که غرض بیان حکمی یا نسبت دادن امری است به کسی، به شرط یکی بودن، یا تصریح به اینکه بیش از یکی نیست. در مثال بالا خواننده شاید تصور کند که اگر دو جوان کوشش نمایند، حکم دیگری جاری است.

یکی از بهترین مترجمین ما در ترجمه جمله‌ای از حضرت ولی‌ام‌الله آورده است که: «و بالاخره یک وطن پرستی کاذب و جنگاور به یک جهان‌دوستی و نوع‌پرستی تبدیل خواهد شد.» او اگر می‌نوشت: «و بالاخره وطن‌پرستی کاذب و جنگاور (جنگاور به معنی دلیر و شجاع است و بهتر بود بجای آن کلمه جنگ طلب و یا صلح ستیز را قرار می‌داد.) به جهان‌دوستی و نوع‌پرستی تبدیل خواهد شد.» صحیح‌تر و بهتر بود.

این قبیل اشتباهات دستوری در ترجمه بیانات مبارک قابل قبول نیست، و جای تعجب است که اعضای هیئت‌های تصویب تألیفات امری و ویراستارانی که در مورد مقاله‌های فارسی گاه مته‌بر خشخاش می‌گذارند و حتی در سبک و سلیقه نویسنده دخالت می‌کنند چگونه در مورد ترجمه‌هایی اعتنا و بی‌حرکت‌اند. شاید چون اصل مورد تصویب بوده است، ترجمه را هرچه باشد درست می‌پذیرند.

خلاصه و نتیجه

در این سخنرانی ابتدا صورت نسبتاً کاملی از توقیعات انگلیسی حضرت ولی‌ام‌الله تا آنجا که چاپ و منتشر شده و در دسترس بنده بوده است، ارائه شد، و شرح مختصری در مورد هر یک از این توقیعات تا آنجا که وقت اجازه می‌داد، بیان گردید. ضمناً روشن شد که کدام یک از این توقیعات به فارسی ترجمه

شده و کدام یک هنوز برگردان نشده است. در نتیجه معلوم گردید که بسیاری از این توقیعات هنوز به فارسی درنیامده و ترجمه‌ها جز در یکی دو مورد محدود به یک نوبت بوده است. سپس شرحی کلی در مورد فنّ ترجمه بیان شد و کالبدشناسی ترجمه مورد بررسی قرار گرفت، و بر آن اساس ترجمه‌هایی که از توقیعات مبارک در دست است، ارزیابی گردید. ضمن تقدیر فراوان از مترجمین محترمی که وقت و دانش خود را روی عشق و ایمانشان به امر مبارک صرف این خدمت بزرگ کرده‌اند، بیان شد که روش این ترجمه‌ها از آزاد تا مضمونی و اقتباسی بوده است در حالیکه روش مناسب برای ترجمه توقیعات مبارک که مبین و مکمل آثار حضرت بهاء‌الله و حضرت عبداله‌اء است و باید قرن‌ها راهبر جامعه بهائی و راهنمای جهانیان باشد، روش رسمی یا نیمه رسمی است که کمتر دستخوش برداشت‌های شخصی و تعبیر و تفسیرهای فردی است و بیشتر معرّف شخصیت مبارک است تا چهره مترجم. به بعضی نواقص دیگر نیز چون لزوم توجه دقیق به معانی ضمنی لغات و عبارات چه در فارسی و چه در انگلیسی، و رعایت اصول دستور زبان و تجانس سبک نگارش، اشاره شد.

حال نتیجه می‌گیریم که با آنکه توقیعات عمومی حضرت ولیّ امرالله جزء لا ینفک آثار اصلی امر بهائی است، هنوز ترجمه کامل و دقیقی از این آثار در دست نداریم. آنچه داریم بعضی ترجمه‌های آزاد و اقتباسی است که هرچند سودمند است ولی خالی از نقص و کمبود نیست، و گاه ممکن است سوء تفاهماتی را سبب شود و منظور حضرت ولیّ امرالله را به خوبی نرساند. بنا بر این جا دارد که ترجمه کامل تمام توقیعات عمومی مبارک و بعضی توقیعات خصوصی که نکات عمومی در بر دارد، بر اساس روش رسمی یا نیمه رسمی، شبیه ترجمه کتاب اقدس از عربی به انگلیسی به صورت طرحی دراز مدّت مورد نظر قرار گیرد تا مثلاً طیّ ده سال آینده این ترجمه‌ها به تدریج آماده و در مجلّداتی مشابه با فهرست‌های لازم و کاغذ و جلد و چاپ مرغوب منتشر شود، و مورد استفاده رسمی و نقل قول و استناد باشد. انجام این مهمّ به نظر نگارنده کاری فردی نیست بلکه طرحی است که باید از طرف یکی از مؤسسات فرهنگی بهائی سرپرستی شود و مترجمین متعدّدی در ظلّ هدایت و دستورالعمل‌های آن مؤسسه به کار و کوشش دعوت شوند. این طرح چون تهیه دانشنامه‌ای بزرگ است که کاری است گروهی و نیاز به هم‌آهنگ کننده ورزیده‌ای دارد و جزئیات کار از ادبی و فنی و مالی و زمان‌بندی باید از قبل مرتّب شود. اگر چنین گردد بعد از چندی مجلّدات این ترجمه‌ها یکی بعد از دیگری منتشر خواهد شد و کدام خانواده بهائی فارسی‌زبان است که داوطلب خرید این دوره نباشد و از آن سود وافر و دائمی نبرد.

یادداشت‌ها

1- Shoghi Effendi, *Bahá'í Administration, Selected Messages 1922 - 1932*; first published 1928; revised editions published in 1933, 1936, 1941, 1945; an expanded index was added to the 1968 edition; Four messages included in the 1968 edition, which also appeared in *Messages To America* have been deleted in the 1974 edition; reprinted 1995. Bahá'í Publishing Trust,

Wilmette, Ill. USA, 1995, 209 pages, ISBN: 0-87743-166-3.

2- Shoghi Effendi, *The World Order of Bahá'u'lláh, selected letters*, first published 1938, reprinted 1944, second edition with a new preface 1955, followed by three later reprints, third revised edition 1974, reprinted 1980..., Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Ill. USA, 1980, 234 pages, ISBN: 0-87743-031-4.

۳- نظم جهانی بهائی، منتخباتی از آثار صادره از قلم حضرت ولی امرالله، ترجمه و اقتباس از هوشمند فتح اعظم، مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی، کانادا، ۱۹۸۹، ۲۱۲ صفحه.

4- Shoghi Effendi, *The Dispensation of Bahá'u'lláh*, Bahá'í Publishing Trust, London, first edition 1947, reprinted 1981, 69 pages, ISBN: 0900125-46-2.

۵- دور بهائی، حضرت شوقی افندی، ترجمه لجنة ملی ترجمه آثار امری ایران از زبان انگلیسی، مؤسسه مطبوعاتی بهائی، دهلی جدید، ۱۱۴ بدیع (۱۹۵۸)، نستعلیق هندی، قطع کوچک، ۸۰ صفحه.

۶- دور بهائی، اثر خامه حضرت شوقی ربّانی، ترجمه لجنة ملی نشر آثار امری ایران، نشر سوم (نشر اول در طهران، نشر دوم در دهلی جدید)، لجنة ملی نشر آثار امری به زبانهای فارسی و عربی، آلمان غربی، خط نستعلیق، ۱۹۸۸، ۱۱۷ صفحه با فهرستهای مختلف، ISBN: 3-87037-939-1.

۷- جلوه مدنیت جهانی *The Unfoldment of World Civilization* اثر حضرت ولی امرالله، ترجمه جمشید فنائیان، مؤسسه مطبوعات امری هند در دهلی نو، ۱۹۸۶، ۱۱۱ صفحه.

8- Shoghi Effendi, *The Promised Day Is Come*, first published in 1941 with reprints in 1941 and 1961, revised edition in 1980, Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Ill. USA, 1980, 137 pages, ISBN: 0-87743-132-9.

۹- قد ظهر يوم الميعاد *The Promised Day Is Come* به قلم حضرت شوقی ربّانی، ترجمه از انگلیسی، ۱۹۴۱، ۷۸ صفحه، با ماشین دستی استنسیل تکثیر شده است، نام مترجم نیامده است.

10- Shoghi Effendi, *God Passes By*, Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Ill. USA, revised edition 1979, 436 pages, ISBN: 0-87743-020-9.

۱۱- کتاب قرن بدیع *God Passes By* اثر حضرت ولی امرالله، ترجمه نصرالله مودّت، چاپ دوم با تجدید نظر، مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی، کانادا، ۱۹۹۲، ۸۶۰ صفحه.

12- Shoghi Effendi, *Messages to America 1932 - 1946*, Bahá'í Publishing Trust, Willmette, Ill. USA, 1947.

13- Shoghi Effendi, *Citadel of Faith, Messages to America 1947 - 1957*, Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Ill. USA, first published 1965, third printing 1980, 178 pages, ISBN: 0-87743-011-X.

۱۴- حصن حصین شریعتالله، حضرت شوقی ربّانی، مجموعه توقیعات مبارک حضرت ولی امرالله خطاب به جامعه بهائیان امریکا ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۷، ترجمه فؤاد اشرف، مؤسسه ملی مطبوعات امری آلمان، چاپ اول ۱۹۹۷ در ۲۱۷ صفحه. ISBN: 3-87037-965-0.

15- Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World 1950 - 1957*, Bahá'í Publishing Trust, Willmette, Ill. USA, 1971, 182 pages, ISBN: 0-87743-036-5.

16- *The Advent of Divine Justice to the Bahá'ís in the USA and Canada*, 1938, published by the NSA of the USA, 1939 with further impressions - the third in 1956, new edition in 1963

with indexes, third edition 1969 with a preface by Paul Haney, second impression 1974, 90 pages, ISBN: 0-87743-044-6.

۱۷- ظهور عدل الهی، اثر حضرت شوقی ربّانی، ترجمه نصرالله موّدت از اصل انگلیسی *The Advent of Divine Justice*، نشر اوّل بوسیله مؤسسه مطبوعات امری ایران در طهران، نشر جدید در سال ۱۹۸۵ بوسیله لجنة امور احبّای ایرانی- امریکایی، ۱۸۹ صفحه، تجدید طبع در ۱۹۸۷ و ۱۹۸۹.

18- *Call to the Nations*, Extracts from the Writings of Shoghi Effendi, Bahá'í World Center, printed in Great Britain, 1977, 69 pages, ISBN: 085398-068-3.

۱۹- حال و آینده جهان از دیدگاه آئین بهائی، حضرت شوقی ربّانی، ترجمه جمشید فنائیان از انگلیسی: *Call to the Nations*, One world Publications, Great Britain, 1986, 90 pages, ISBN: 85168-000-4.

۲۰- ندا به اهل عالم، اثر قلم حضرت ولیّ امرالله، ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم از اصل انگلیسی *Call to the Nations* مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی در کانادا، ۱۹۹۳، ۹۵ صفحه.

21- *Unfolding Destiny, the Messages from the Guardian of the Bahá'í Faith to the Bahá'í Community of the British Isles*, Bahá'í Publishing Trust, London 1981, 531 pages, ISBN: 0900125-43-8.

22- *Messages of Shoghi Effendi to the Indian Subcontinent 1923 - 1957*, compiled and edited by Iran Furutan-Muhajir, Bahá'í Publishing Trust New-Delhi, first published 1970, revised and enlarged edition 1995, 469 pages, ISBN: 85091-87-0.

23- Shoghi Effendi, *Messages to the Anitpodes*, edited by Graham Hassal, Bahá'í Publications Australia, 1997, 472 pages, ISBN: 0909991-98-7.

24- *The Light of Devine Guidance, the Messages from the Guardian to the Bahá'ís of Germany and Austria*, Bahá'í Verlag Germany, volume one 1982, volume two 1985.

25- *High Endeavours, Messages to Alaska*, NSA of Alaska, 1976.

26- *Messages to Canada*, NSA of Canada, 1965.

۲۷- حیات بهائی، ترجمه از اصل انگلیسی *The Bahá'í Life*، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله در مورد حیات بهائی، تهیه و تنظیم بوسیله بیت العدل اعظم (انگلیسی و فارسی)، مؤسسه مطبوعات امری ایران، چاپ جدید بوسیله لجنة امور احبّای ایرانی در امریکا، ویلمت ۱۹۸۳، با چاپ بعدی در ۱۹۸۷.

28- *The Dawn-Breakers, Nabil's Narrative of the Early Days of the Bahá'í Revelation*, translated from the original Persian and edited by Shoghi Effendi, Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Ill. USA, first published 1932 with later imprints in 1953, 1962, 1970, 1974; 685 pages, ISBN: 0-87743-010-1.

29- *The Dawn-Breakers*, abridged version, Bahá'í Publishing Trust Great Britain 1953; 507 pages, ISBN: 900 125 225 B 17.

۳۰- مطالع الانوار، تلخیص تاریخ نبیل زرندی، ترجمه و تلخیص بوسیله عبدالحمید اشراق خاوری از ترجمه عربی، چاپ اوّل بوسیله مؤسسه مطبوعات امری ایران ۱۹۴۸ در ۶۵۱ صفحه، چاپ دوّم ۱۹۶۰، چاپ سوّم ۱۹۷۸، چاپ جدید از روی چاپ ۱۹۷۸ طهران بوسیله انتشارات مرآت در دهلی نو.

31- *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*, translated by Shoghi Effendi, Bahá'í

Publishing Trust Great Britain, first published 1949, revised edition 1978, 350 pages, ISBN: 0 900 125 381.

۳۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، تنظیم از حضرت ولیّ امرالله که به انگلیسی تحت عنوان *Gleanings...* انتشار یافته است، نشر فارسی از لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی در آلمان، ۱۹۸۵ در ۲۲۲ صفحه، ISBN: 3-87037-921-9

۳۳- انجیل شریف، ترجمه جدید فارسی از زبان یونانی، انتشارات انجمن کتاب مقدس، طهران، چاپ اول ۱۹۷۶، چاپ سوم ۱۹۸۱، ۷۰۷ صفحه.

34- Gideon Toury, *The Search of a Theory of Translation*, Academic Press, Jerusalem 1980.